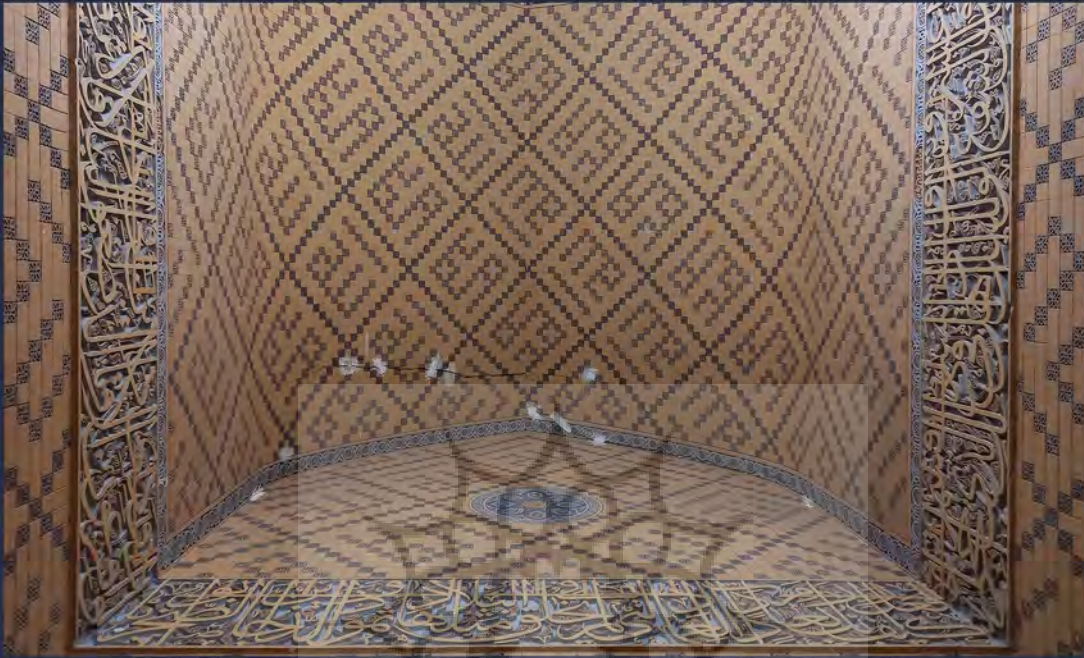


مطالعات معماری ایران ۲۸

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



- ◆ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۱۹۴-۱۲۷۶ق)
- شیما نگهبان / محمدرضا غیثیان / محمد مشهدی نوش آبادی
- ◆ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران
- مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر
- ◆ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصورتاریخی
- محمد رضائی ندوشن
- ◆ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی
- ثنا یزدانی / زهرا اهری
- ◆ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد
- فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز
- ◆ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام
- کارن فتاحی
- ◆ آسیب‌پذیری محوطه تخت جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن
- حمید فدایی / مسعود نخعی
- ◆ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)
- سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی
- ◆ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم
- فوزیه زینلی نصرآبادی / نویمان فرح‌زاد / محمدرضا حافظی
- ◆ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام
- مصطفی صیرفیان‌پور / مسعود ناری قمی
- ◆ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری
- بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده
- ◆ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره براساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر آرگانیک در برابر ساختار درخت‌وار
- علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال چهاردهم، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی پور
سر دبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتزر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرؤوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد چهراد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است. نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

عکس روی جلد: علی عمرانی پور
(ایوان شمالی مدرسه پریزاد)

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۳۱۲۲

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۸۷۳۱۷-۵۳۱۵۳
رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۰۲۰



- ۵ محراب‌های گچی قاجاری منطقه کاشان (۱۲۷۶-۱۱۹۴ق)
شیمای نگرهبان / محمدرضا غیاثیان / محمد مشهدی نوش آبادی
- ۲۹ گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران
مهتاب غوریانی / ندا سادات صحراگرد منفرد / سید عباس یزدانفر
- ۶۵ سیر پیدایش بادگیرهای بلند برجی در خط آسمان شهر قم بر مبنای اسناد مصور تاریخی
محمد رضائی ندوشن
- ۸۳ میراث زنده مسکونی: چارچوبی مفهومی برای فهم و حفاظت از تداوم سکونت در خانه‌های تاریخی
ثنا یزدانی / زهرا اهری
- ۱۱۳ بررسی اثر رویدادسازی در محوطه فرهنگی سعدآباد
فائزه تفرشی / منوچهر معظمی / نیکلاس وایز
- ۱۲۹ نقش مدت‌زمان حضور، غلظت دی‌اکسید کربن و رطوبت نسبی هوا بر احساس آسایش حرارتی
نمازگزاران در مساجد معاصر ایلام
کارن فتاحی
- ۱۵۳ آسیب‌پذیری محوطه تخت‌جمشید در برابر تغییر آب‌وهوایی و نقش مشارکت محلی در کاهش آن
حمید فدایی / مسعود نخعی
- ۱۷۱ شهر دانشگاهی جندی‌شاپور اهواز؛ تجربه‌ای از بازتولید معماری ایرانی (از اواخر دهه ۱۳۴۰ تا انقلاب اسلامی)
سید علیرضا سیدی / مرتضی همتی
- ۱۹۷ ارزیابی برنامه‌درسی رشته معماری از منظر کاربست دانش سازه بر مبنای نظریه یادگیری معنادار بلوم
فوزیه زینلی نصرآبادی / نریمان فرحزاد / محمدرضا حافظی
- ۲۱۷ مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام
مصطفی صیرفی‌انپور / مسعود ناری قمی
- ۲۳۹ تحلیلی بر احیای قنات‌های تهران: خوانشی انتقادی از منظر بوم‌شناسی سیاسی شهری
بهاره فراهانی / کیانوش ذاکر حقیقی / مهرنوش حسن‌زاده
- ۲۶۱ تفاوت‌های بافت سنتی و مدرن زواره براساس نظریه «شهر درخت نیست»: بررسی ساختار شهر
ارگانیک در برابر ساختار درخت‌وار
علی عبدی / غلامحسین معماریان / منا آذرنوش
- ۲۷۳ بخش انگلیسی

مولد اولیه طراحی در معماری خانه متناسب با رفتار اسلامی بر مبنای منابع نقلی اسلام

مصطفی صیرفیان پور*

مسعود ناری قمی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

چکیده

در حوزه معماری اسلامی، موضع مناسب حضور امر اسلامی در فرایند طراحی نیازمند بررسی است. بر این اساس، این پژوهش با هدف تبیین فرایند تحقق معماری اسلامی و با بهره‌گیری از یافته‌های نظریه‌پردازان حوزه فرایند طراحی معماری شکل گرفته است. «مولد اولیه» در حوزه فرایند طراحی، منطقی مناسب برای دریافت ایده‌های اولیه تولید اثر معماری است. منطقی که از یک سو مفاهیم مبنایی و شکل‌دهنده معماری و از سوی دیگر مسائل مورد توجه در منابع نقلی اسلام را می‌تواند مورد پردازش قرار دهد و منجر به اتخاذ تصمیمات معمارانه شود. این پژوهش در بخش اول، در بیان اعتبار مولد اولیه در فرایند طراحی و نسبت آن با تعالیم اسلامی از روش استدلال منطقی استفاده نموده و در بخش دوم نیز به منظور تبیین مولدهای اولیه خانه از منظر تعالیم اسلامی با روش تحلیل محتوای کیفی به منابع نقلی اسلام رجوع شده و «مولد اولیه دار» و «مولد اولیه بیت» را معرفی کرده است. در ادامه، با بهره‌گیری از مطالعات میدانی شامل مصاحبه و ثبت و تحلیل رفتار کاربران، ظهور نتایج پژوهش، در خانه روحانی، به عنوان نمونه‌ای از خانه‌های تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است. مولد اولیه دار متوجه مفهوم حضور در خانه است؛ مولد اولیه بیت اما نظر به مالکیت و استفاده از مکان خانه دارد. معمار در موضع طراحی، مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگی کاربران خانه و شرایط زمینه‌ای طرح، مولد اولیه خانه را در میان طیف «بیت - دار» تشخیص داده و مبتنی بر آن خانه را برای کاربرانش تعریف می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

خانه، مولد اولیه، کنام، دار، بیت.

پرسش‌های پژوهش

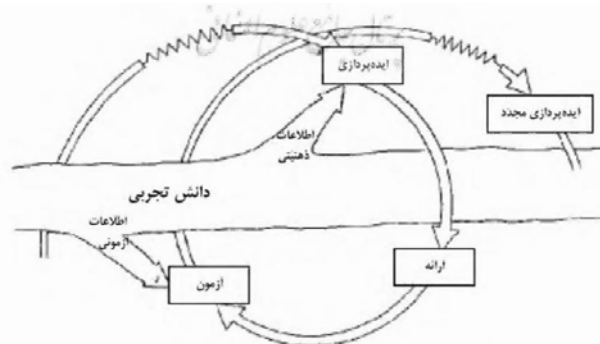
۱. رویکرد فرایندی در نسبت‌تعالیم تربیتی اسلام با معماری به‌ویژه از منظر مولد اولیه چگونه قابل بررسی است؟
۲. مولدهای اولیه خانه مبتنی بر منابع نقلی اسلام چیست؟
۳. در طراحی خانه مبتنی بر منابع نقلی اسلام، ویژگی‌های مولد اولیه دار و مولد اولیه بیت چیست؟

مقدمه

در پژوهش‌های چهار دهه اخیر در مورد نسبت اسلام و معماری و اثر آن بر معماری ایران، دو امر نسبتاً مغفول، چشمگیر است: پرداختن به نسبت «رفتار اسلامی» با «معماری» و دیگری «فرایند طراحی». در مورد اول، مفاهیم، سمبل‌ها، فقه و موضوعات ادراکی و کانسپچوال، راه را بر امر رفتاری تنگ کرده است (ناری قمی ۱۴۰۰) و در موضوع فرایند، تأکید اصلی تحقیقات و نظریه‌ها، بر کیفیاتی در محصول نهایی بوده است و نه فرایند طراحی؛ یعنی آثاری که فضای تولیدشده بر مخاطب می‌گذارد؛^۱ گاه این آثار براساس تحلیل فضای موجود (معماری سنتی) بررسی شده و گاه با تحلیل نظری و فلسفی متون اسلامی یا منتسب به اسلام. در درجه بعدی، تحقیقات مزبور به مسئله طراحی توجه کرده‌اند؛ یعنی توجه به سائق‌های معماران برای رسیدن به طرح در حوزه اسلامی. در این رهگذر، مسائل فقهی، عرفانی، فلسفی و علوم قدیمی ریاضی و هندسه از نظر دور نمانده است.^۲ همین امر برخی محققان را به سمت مراتب مقدماتی‌تر معماری یعنی نحوه تربیت معمار و شکل‌دهی به ذهنیت او هدایت کرده و مسائل اسلامی مؤثر در آموزش معمار نیز موضوع پژوهش قرار گرفته است. اما در باب نسبت اسلام با فرایند طراحی که امر میانه بسترهای نام‌برده است، پژوهش‌های مستقیم نزدیک به صفر است. شاید در این میانه بتوان به مصنفات نقره‌کار نظیر نظریه سلام (نقره‌کار ۱۳۹۲) و سلول بنیادی معماری اسلامی (همو ۱۳۹۵)، بیش از همه ارجاع داد و در کنار آن نظریه نسبت معماری در اسلام با رفتار (ناری قمی ۱۴۰۰) قابل اشاره است. اما به‌صورت غیرمستقیم، دستاوردهای تحقیقات مختلف می‌تواند با فرایند طراحی مرتبط شود؛ به این صورت که فرایند طراحی را به پیروی از زایسل،^۳ کروبوکین،^۴ دارکی^۵ و لاوسون،^۶ یک رویه ماریپچی متشکل از ایده‌دهنده، آزمونگرها و مولدهای اولیه بدانیم.

برخی تحقیقات همانند پژوهش‌های فقهی در حوزه اسلام و معماری، در حیطه چارچوب‌دهنده و آزمونی، کارکرد دارند. برخی دیگر که عمدتاً صبغه عرفانی دارند، در حوزه ایده‌دهندگی و فراهم کردن کانسپت‌های فرمی خود را عرضه می‌کنند. پژوهش حاضر با گذر از این دو حوزه، به موضوع دیگر یعنی «مولد اولیه» در طراحی در نسبت اسلام و معماری پرداخته است. پرسش مهم اولیه در پژوهش حاضر، موضع مناسب حضور امر اسلامی در فرایند طراحی است که در اینجا سعی می‌گردد این موضع با تکیه بر متون نقلی اسلامی پیگیری شود و فرضیه‌ای مبتنی بر تناسب «مولد اولیه» به‌عنوان این موضع مناسب در فرایند ارائه گردد. در این راستا مقاله با تمرکز بر منقولات دست‌اول اسلامی و پرهیز از منابع دست‌دوم (متون فلسفی، کلامی یا اخلاقی) و تحدید حیطه بحث به حوزه طراحی خانه، و تخصیص بستر بحث بر نسبت رفتار اسلامی و معماری، تلاش می‌کند تا الگوی برخاسته از متن برای مولد اولیه را در محدوده تعریف‌شده پژوهش شناسایی کند و سپس نحوه حضور آن در یک نمونه موردی تاریخی را واکاوی کند و به‌این ترتیب آزمونی برای فرضیه خود فراهم آورد.

مولد اولیه طراحی، یک دستاورد مهم در حوزه مباحث فرایند طراحی و آموزش معماری که لاوسون در «طراحان چگونه فکر می‌کنند؟»، به آن پرداخته است. بر این اساس، طراحی به‌طور کلی و طراحی معماری به‌طور خاص، همواره با یک «مولد اولیه»^۷ یا به عبارتی، طرح‌واره اولیه آغاز می‌شود که نوعی جواب اولیه برای مسئله طراحی است (Lawson 2005). این مفهوم نخستین بار از سوی جین دارکی در تکمیل نگرش هیلبر به فرایند طراحی مطرح شده است. در مقاله کلاسیک وی در ۱۹۷۶، مولد اولیه طراحی به‌صورت گروهی از کانسپت‌های مرتبط - و نه یک ایده منفرد - است که در ابتدا در ذهن طراح مورد وثوق قرار می‌گیرد، درحالی‌که هنوز آنالیز مسائل کامل نشده است؛ به



تصویر ۱: کاربرد دانش تجربی در روند طراحی (Zeisel 2007, 26)

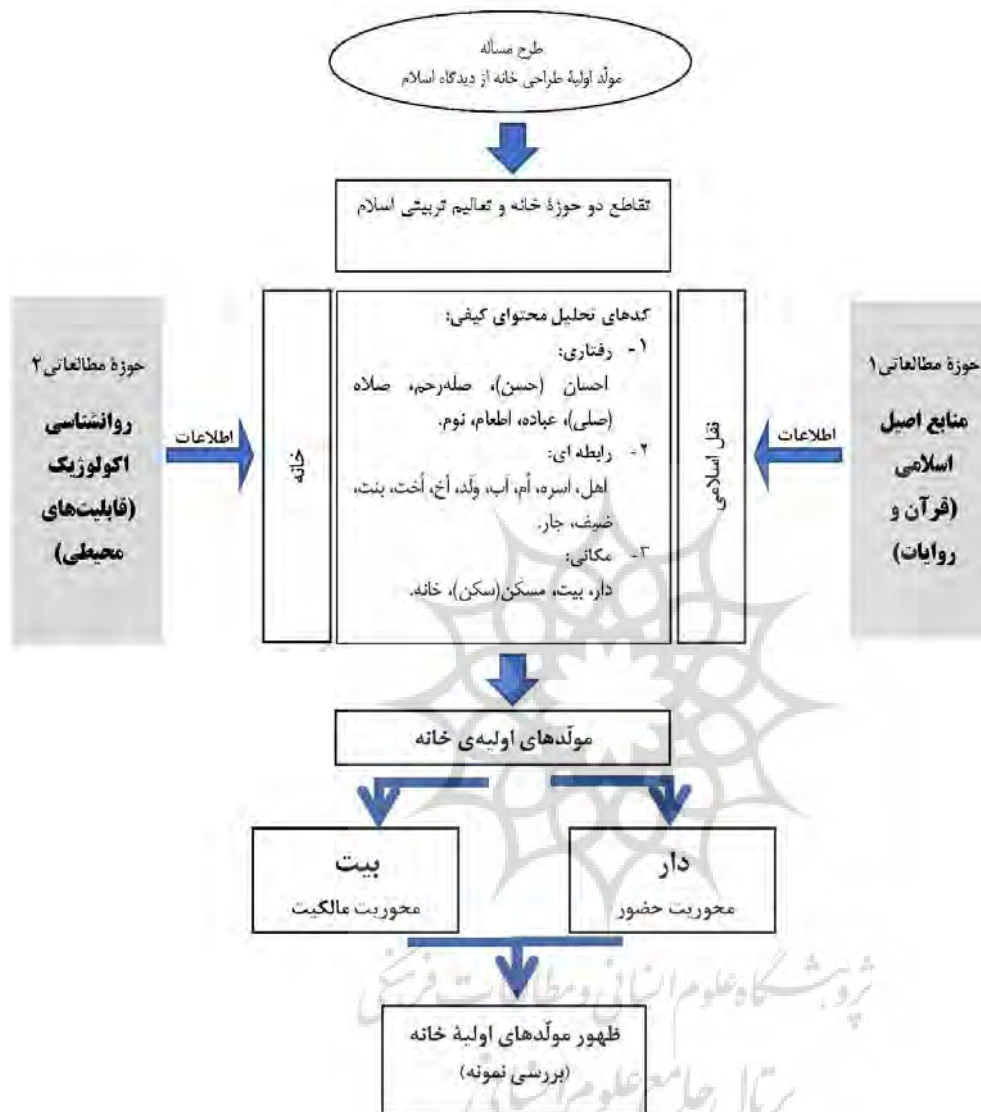
این صورت که طراح، از میان مسائل متنوع طراحی، تعداد محدودی هدف منتخب منتهی به فرم را در نظر می‌گیرد و با آن پاسخ اولیه‌ای را تولید می‌کند و تحلیل‌های اصلی روی این پاسخ انجام می‌شود؛ لذا این پاسخ قطعاً محصول آنالیز کامل مسائل نیست. برداشت‌های پنج دهه اخیر از بحث وی، از طیف کاملاً فرمی (برداشت لاوسون) تا کاملاً دیگرامی مولد اولیه را در بر می‌گیرد (Cao, Kahlon, and Fujii 2022)؛ اما واکاوی متن اولیه و مثال‌های وی حاکی از آن است که مولد اولیه چیزی شبیه الگوها در زبان الگوی الکساندر (۱۹۷۶) است؛ یعنی امری مابین مسئله و پاسخ طراحی، و نیز مابین امر اثباتی و هنجاری که این ویژگی دقیقاً همان چیزی است که در بخش اصلی پژوهش این مقاله مورد تأکید بوده است.

۱. روش پژوهش

این پژوهش در دو مرحله سامان یافته است: مرحله اول، با روش استدلال منطقی، کارکرد مولد اولیه و نسبتش با کُنام^۸ را بررسی نموده، و در مرحله دوم مبتنی بر روش تحلیل محتوای کیفی^۹، کُنام‌هایی که در منقولات دست‌اول اسلامی برای «خانه» به کار رفته، بررسی شده است. روش تحلیل محتوای کیفی به منظور تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از راه فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند کدها و شناسایی مضامین و الگوها به کار می‌رود و هدف آن فراهم آوردن شناخت و بینشی نو و تصویری از واقعیت است (ایمان و نوشادی ۱۳۹۰). کدها با هدف شناخت خانه انتخاب شده و شامل اسامی به کاررفته برای خانه در نقل اسلامی است. خانه، واجد وجوه رفتاری، رابطه‌ای و مکانی است؛ به این معنا که افراد با «روابط» نسبی و سببی خاص در خانه گرد هم می‌آیند و این روابط، حقوق و تکالیفی را میان ایشان موجب می‌شود؛ و «رفتار»هایی در خانه رقم می‌خورد که می‌تواند در نسبت با آن حقوق، ارزش‌گذاری شود و شیوه‌آدای بسیاری از آن حقوق است. خانه «مکان»هایی دارد که محل تحقق این رفتارها و حضور افراد با روابط متنوع است. بر این اساس، کدهای پژوهش ذیل سه عنوان کدهای «رفتاری»، کدهای «رابطه‌ای» که مشتمل بر نسبت‌های فامیلی است، و کدهای «مکانی» تعریف می‌شود:

کدهای رفتاری: احسان (حسن)، صلۀ رحم، صلاة (صلی)، عبادۀ، اطعام، نوم. کدهای رابطه‌ای: اهل، أسرة، أم، آب، وُلد، أُخ، اُخت، بنت، ضیف، جار.

کدهای مکانی: دار، بیت، مسکن (سکن)، خانه. منابع مورد رجوع در این پژوهش، قرآن و روایات اهل‌بیت(ع) است. برای لحاظ نمودن وجه اعتباری روایات، منابع روایی عبارت‌اند از: کتب اربعه شیعه، شامل الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار، و همچنین کتب روایی که ثمره پژوهش و گردآوری محدثان معاصر است. در انتها، برای بررسی تحقق‌پذیری موضوع پژوهش، یک نمونه خانه تاریخی مبتنی بر یافته‌های پژوهش مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.



تصویر ۲: ساختار پژوهش در موضوع بررسی مولد اولیه خانه در منابع نقلی اسلام

۲. پیشینه موضوع: مولد اولیه طراحی و الگوهای رفتاری

در مورد موضوع این نوشتار، سؤالی که طرح می‌شود آن است که آیا اگر طراحی بر نظام هنجاری خاصی از رفتارها (در اینجا، رفتار اسلامی) مبتنی باشد، آنگاه مولد اولیه آن هم نوعی خاص خواهد بود؟ اگر پاسخ مثبت است، این یک ضرورت است یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، رجوع به معماری‌هایی که در غیاب «تهداد» رسمی معماری (معماران حرفه‌ای و هنری) شکل گرفته‌اند، به دلیل عدم دسترسی به فرایند طراحی و مبانی بیان شده از سوی طراحان در اغلب آنان چندان مفید نخواهد بود. لذا باید به نمونه‌هایی از معماری دوران تبدیل به حرفه شدن معماری طراحان رجوع کنیم که داعیه نظام خاصی از رفتار را هم داشته باشد.

۱.۲. فرایند طراحی رفتارگرایانه در دوران معاصر

در دوران طرح این مفهوم نوین از معماری، (چیزی که بیش از همه به آبرتی نسبت داده می‌شود)، چنین کیفیتی را دست‌کم در پنج گروه از نظریه‌پردازان طراحی محیط می‌توان یافت: سوسیالیست‌های پیش از مدرن (اتوپیا‌های سوسیالیستی)، مدرنیست‌ها، جامعه‌گرایان بعد از مدرن، رفتارگرایان و نظریه‌پردازان امنیت محیطی. در رجوع به رفتار و منظومه‌های خاص رفتاری به‌عنوان منشأ اصلی طرح کالبدی، در سیر تاریخی موضوع، سه گرایش اصلی قابل تشخیص است: گرایش‌های اول و دوم عبارت‌اند از: تمرکز بر نظام رفتاری اجتماعی خاص، و تأکید بر تطابق معماری با خواست‌های رفتاری فردی. اولی را می‌توان با عنوان جامعه‌گرا و دیگری را فردگرا دانست. گرایش سوم، تلفیق دو گونه است که یک بار به‌وضوح در عرصه نظری و عملی معماری رخ نموده و آن معماری مدرن است.

در واقع در حوزه معماری، تلاش برای هماهنگ کردن کالبد با رفتار به‌صورت آگاهانه و حرفه‌ای را نمی‌توان امری چندان باسابقه به شمار آورد. در آکادمی‌های رنسانسی، معمار به‌عنوان خلاق اشکال تربیت می‌شد و «شکل زندگی» - اگرچه در کار وی تأثیر اساسی داشت - چون تغییر آن در دستور کار معمار نبود، تطابق با آن نیز به‌صورت ضمنی و پیش‌فرض صورت می‌گرفت. در برنامه آکادمی سلطنتی پاریس و سپس بوزار نیز برنامه‌ریزی برای تحقق الگوهای رفتاری خاص، جایی در مباحث تئوریک آن نمی‌یابد. انقلاب فرانسه و اقدامات متفکران عصر روشنگری و به‌ویژه طبیعت‌گرایی روسو، محملی را برای ادعای طرح‌ریزی نظام انسانی جدید فراهم آورد که بر حوزه معماری نیز تأثیر نهاد. محمل تئوریک این تأثیر، در پلی‌تکنیک‌ها فراهم آمد. چهره بارز این تحول در روش آموزش «دوران»^{۱۰} آشکار شد. «دوران» در کتاب *Précis* پس از رد تئوری «معماری از طبیعت تقلید می‌کند» (تشبیه نظام ساختمان به بدن انسان) و «کلبه بدوی» لوژیه، به نقد سه‌گانه ویتروویوس پرداخت و ویژگی سوم مورد اشاره او - زیبایی - را در دوران معاصر خود، بی‌اعتبار دانست و گفت: «واضح است که لذت‌بخشی، هیچ‌گاه نمی‌توانسته هدف معماری باشد؛ و نه تزیینات می‌تواند هدف معماری باشد؛ کاربری عمومی و خصوصی، رضایت‌مندی، و محافظت از افراد و جامعه، این‌هاست که هدف معماری است.» لذا معماری به «کارایی و اقتصاد» تغییر شکل می‌یابد که «تنها اصولی هستند که می‌توانند ما را در مطالعه و عمل هنری راهنمایی کنند». پس از این انتزاع معنا از معماری، کار بعدی «دوران» فراهم ساختن شیوه‌های تحلیلی برای طراحی با استفاده از ترکیبات ممکن عناصر تیپولوژیک، بود. وی از ایده شبکه محوری که پیشینه آن به ۱۷۷۰ برمی‌گشت، آغاز کرد و جداول مصوری از ترکیبات ممکن فرمی: پلان‌ها، راهروها، پله‌ها، نماها و... تهیه نمود که هدف آن فراهم آوردن گستره‌ای از پلان‌ها و ترکیبات حجمی برای طراح بود تا با آن مهارت ترکیبی خود را رشد دهد. اگرچه نماهای وی عمدتاً کلاسیک و ندرتاً بومی فرانسه و ایتالیا هستند، «دوران» به سبک اهمیتی نمی‌داد. وی مجموعه‌ای دیگر از جداول نیز بر مبنای کاربری‌های مختلف (کالج، موزه، بیمارستان و...) فراهم کرد. در عمل، کار وی آن بود که برای دانشجویان (مهندسی)، بسته‌ای فراهم کند که برای خودآموزی کارایی داشته باشد (Mallgrave 2005, 68-70). کار دوران از این بابت که معماری را به‌عنوان گونه‌های کالبدی دارای تناظر یک‌به‌یک با گونه‌های عملکردی که به‌صورت مجموعه‌های رفتاری است معرفی می‌کند، می‌تواند گام اولیه در گرایش رفتاری در معماری تلقی شود.

۲.۲. رفتار به‌مثابه عامل پدیدآورنده فرم

در نخستین چرخش‌های اصلی به‌سوی مدرنیسم معماری و در نیمه قرن نوزدهم، سمپر^{۱۱} که در حوزه آلمانی‌زبان مدرنیسم، شخصیتی کلیدی به شمار می‌رود، در کتاب *دستیل*^{۱۲} خود، به بحث معماری‌های آغازین و سیر تکاملی معماری می‌پردازد؛ اما این بار وی به‌جای رجوع به فرم‌ها، به عوامل پدیدآورنده فرم و به‌ویژه ذهن و فعالیت انسانی اشاره دارد. او به‌جای ارجاع فرمی به یک کلبه اولیه فرضی یا غار و چادر، چنان‌که گواتمه دو کوئینسی مطرح کرده است (گروت و وانگ ۱۳۸۴)، کلبه بومی جزایر کاراییب را که یک کلبه بومی واقعی است در کتاب خود تحلیل می‌کند و عناصر چهارگانه پدیدآورنده معماری (توده، آتش‌دان، حصار و سازه برپادارنده) خود را در آن مطرح می‌کند (Hvattum 2006)؛ به این صورت، در حوزه تئوریک که تکامل تدریجی و رشد بیولوژیک را یک اصل علمی و ارزش می‌شمرد،

دیدگاه سمپر که اصالت را از فرم‌های تکامل یافته در طی تاریخ به سمت فعالیت (مراسم زندگی) انسان متوجه می‌کند، این امکان تئوریک را فراهم می‌آورد که فرم‌های بی‌سابقه که از روند تکاملی حاصل نیامده‌اند نیز با استناد به تناسب با فعالیت‌های انسانی بتوانند در دیدگاه علمی نوین مطرح شوند.

در مقابل این نظریه‌پردازی‌های دانشگاهی، که عمدتاً به الگوهای منفرد رفتار یا منظومه‌های رفتاری متعلق به گروه‌های کوچک اجتماعی توجه دارد، اولین تلاش‌های آرمان‌گرایانه سوسیالیستی، ضمن ارائه نظام اجتماعی - رفتاری نوین، با عرضه نظام کالبدی متفاوت که متناسب با آن نظام جدید باشد، همراه است. نیمه اول قرن نوزدهم دوران ظهور اتوپیا‌های سوسیالیستی در اروپاست که عمدتاً با ارائه اشکال جدید زندگی آرمان‌خواهانه یا لذت‌جویانه و وعده ساخت جامعه‌ای نوین، افرادی را به خود جذب کردند و برخی مجتمع‌های ساختمانی آن‌ها (عمدتاً در آمریکا) توانست یکی دو نسل دوام بیاورد، اما در مجموع به سرعت از میان رفتند. حمله به ساختار برخاسته از مذهب و خانواده و ارائه الگوهای زندگی اشتراکی، وجه مشترک بسیاری از این جوامع خودخوانده بود که به لحاظ روش، اخلاف اتوپیای افلاطونی بودند که او نیز سعی کرده بود ساختار جدیدی از خانواده را برای «تولید» انسان‌های برتر پیشنهاد کند. این دید مکانیکی یا لذت‌جویانه در نفی خانواده، که در نوشته‌های مارکس کاملاً تئوریزه شد، در پس‌زمینه مدرنیسم، همواره حضور خود را حفظ کرد. در تطابق کالبد با این فرآیندهای رفتاری، روش به کار گرفته شده در اکثر نمونه‌ها، تعریف رفتارهای اشتراکی نوین و فضای اشتراکی معادل برای آن‌هاست. به این صورت مواردی چون پرورشگاه‌ها، آشپزخانه‌های جمعی، خوابگاه‌ها و... به عناصر تیپولوژیک این طرح‌ها بدل می‌شوند (ر.ک: پاکزاد ۱۳۸۶). در اینجا پیش‌فرض آن است که روابط اجتماعی جدید، به صرف «هم‌جواری»، واقع خواهد شد؛ لذا مثلاً در «فالانستر» شارل فوریه (۱۷۷۲-۱۸۳۷) که از مشهورترین اتوپیا‌های سوسیالیستی ارائه شده در قرن نوزدهم است و تلاش‌های زیادی برای تحقق آن در نقاط مختلف جهان صورت گرفت (در فرانسه، دالاری، در روسیه، پتروشفسکی، در آمریکا، مزرعه بروک و...؛ ر.ک: پاکزاد ۱۳۸۶). «فوریه همواره به دنبال جامعه‌ای اشتراکی برای ۱۶۰۰ نفر (۴۰۰ خانوار) بود. او می‌گفت: چرا ۴۰۰ تا آشپزخانه، ۴۰۰ انباری، ۴۰۰ رختشوی‌خانه داشته باشیم وقتی که یکی کافی است و چرا باید ۴۰۰ خانه یا ساختمان داشته باشیم، وقتی می‌توانیم یک خانه را برای ۴۰۰ خانوار بسازیم» (همان). این الگو در کنگره سوم سیام، دوباره مطرح و توصیه شد. طرح‌واره اولیه‌ای که برای این اتوپیاها به کار گرفته شد، به میزان زیادی مشابه است: یک فضای باز جمعی مشترک که فضاهای اشتراکی مزبور در حجمی به هم پیوسته (معمولاً لاشکل) حول آن مستقر شده‌اند؛ به این ترتیب، پیوستگی حجم و پیوستگی فضا، کیفیات اصلی طرح‌واره اولیه‌ای بود که به زعم پیشنهاددهندگان این مجموعه‌ها می‌توانست الگوی اجتماعی مورد نظر را تحقق بخشد.

۳.۲. تأثیر الگوهای پایه معماری مدرن بر کاربر مسکن

اینکه مدرنیسم به لحاظ عدم تطابق با فرهنگ‌های محلی نقد شده است، نمی‌تواند تأثیر آن را در تغییر شکل زندگی و رفتار افرادی که ناخودآگاه درگیر آن شدند، انکار کند. مثلاً در ایران، مدرنیسم به سرعت خانه‌های چندخانواری را منسوخ کرد و قواعد شهرسازی نیز با منع حیاط مرکزی، امکان زیست در یک خانه را با حفظ حداقل حریم‌ها از میان برد؛ در مقابل، الگوی آپارتمان‌نشینی به‌ویژه با الگوگیری از «مسکن حداقل»، ضمن محدود کردن فضای مورد استفاده همان یک خانواده، حضور افراد غریبه را در یک حجم فشرده، پیش آورد که همین امر بزرگ‌ترین ضربه را از سوی معماری به ساختار فرهنگی - اجتماعی ایران وارد کرد (ر.ک: حائری ۱۳۸۸). یا مثلاً در خانه‌های شخصی ساخته شده در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ در ایران، عمدتاً توسط معمارهای تجربی، به دلیل الزام قانونی حذف حیاط مرکزی، که با تغییرات ساختار اجتماعی جامعه نیز همراه بوده است، مرکزیت تولیدی خود را از دست دادند: نگهداری دام و پرورش سبزیجات در باغچه‌ها و فعالیت تولیدی خانگی در فضای باز تعدیل شده با الگوی حیاط مرکزی، از خانه‌ها رخت برپست و آشپزخانه که در گذشته فقط برای پخت‌وپز مورد استفاده بود، ظرفیت لازم را برای تمرکز تمام فعالیت‌های مولد خانگی نداشت. این امر با رواج آپارتمان‌سازی که مهم‌ترین الگوی وام گرفته شده در مسکن از مدرنیسم است، تقریباً به‌طور کامل منتفی شد.

تحقیق «الرافی» در مورد آپارتمان‌نشینی در مصر نشان می‌دهد که زنان مصری، فضای خانه را به‌عنوان محیطی مولد می‌نگرند؛ وی در نمونه‌های متعدد و در میان طیف زنان سنتی و مدرن، این گرایش را نشان می‌دهد و تبدیل بخشی از نشیمن آپارتمان به فضای تولید دستی (خیاطی، صنایع دستی یا...) امری عادی است. در عین حال در طرح این آپارتمان‌ها، چنین امری به‌هیچ‌وجه پیش‌بینی نشده و حالت عبوری فضای نشیمن و ورود مستقیم از راهرو به نشیمن، ایجاد فضای کار شخصی در آن را برای زنان دشوار کرده است (El-Rafey 1992). این تأثیر حتی در عادات رفتاری فیزیولوژیکی هم اثر خود را گذاشته است؛ اگرچه عادت نشستن و خوابیدن روی زمین، در فرهنگ ایرانی، همچنان جایگاه خاصی دارد، گرایش به استفاده از مبل و تخت و عادات حرکتی مربوط به آن‌ها (به‌عنوان یک پدیدهٔ جانبی مدرنیسم در ایران) به‌تدریج جای خود را در این کشور باز کرده است.

با توجه به تأثیری که مدرنیسم در القای الگوهای خاصی از رفتار داشته، شیوهٔ مواجههٔ مدرنیست‌ها با موضوع تنظیم کالبد با هدف وقوع رفتارهای مورد نظر، شایان توجهی ویژه است. برولین^{۱۳} (۱۹۷۶) پس از نقد موسعی از دترمینیسم مدرنیسم اولیه در مورد سبک زندگی، به بررسی راه‌حل‌های مدرنیست‌های نسل بعد برای انسانی کردن محیط مدرن و به عبارت بهتر، آشتی دادن انسان‌های عادی با محیط کالبدی مدرن می‌پردازد. نخستین راه‌حل را گروه ۱۰ و به‌ویژه اسمیتسون^{۱۴} ارائه می‌کند که ترجمهٔ نظام اجتماعی را در برنامه‌دهی کالبدی پیشنهاد می‌کند. در روش وی ساختار اجتماعی (الگوی زندگی) تقریباً به‌طور مستقیم به نزدیک‌ترین عناصر فیزیکی ترجمه می‌شود؛ مثلاً وی برای انعکاس «پیچیدگی» و «همپوشانی» که به‌زعم وی در زندگی اجتماعی خیابان (به‌عنوان نمونه‌ای از زندگی مطابق وضعیت مدرن) وجود داشت، در مسکن جدید، خیابان‌های در آسمان را پیشنهاد کرد که در لبهٔ آپارتمان‌ها و در یک‌سوی آن‌ها در طبقات، تداوم داشت. این روش چنان که برولین هم به بحث دربارهٔ آن پرداخته است، بیش از آن که یک الگوی فضا رفتار باشد، نوعی سمبولیزم از روابط ایدئال اجتماعی، برای «طراح» (و نه لزوماً مردم) است که در صورتی می‌تواند مقصود رفتاری طراحی را برآورده سازد که اشارات فیزیکی مزبور، به‌دلیل سادگی و فهم‌پذیری یا به‌دلیل تداوم تجربه، برای مردم قابل ادراک باشد و این به‌زعم برولین نیاز به وجود زمینه‌های مشترکی میان طراح و مردم دارد. به‌علاوه می‌توان گفت که به‌جز ادراک باید این اشارات درک شده، دارای «مطلوبیت کافی» هم برای مردم باشد یا دست‌کم گزینهٔ مهم دیگری در مقابل آن مطرح نباشد. اگر این ترجمه تنها سمبولیک نباشد و متکی به یک الگوی واقعی رفتار باشد، باز در تشخیص تمام الزامات انسانی الگو و نیز ترجمهٔ کالبدی درست برای آن، امکان وقوع خطاهای فاحش وجود دارد و عوامل مهم ممکن است به‌راحتی نادیده گرفته شود (Brolin 1976, 76).

۲.۴. مولد اولیه در طراحی مسکن مدرنیست‌ها

فرضی که مدرنیست‌های نسل اخیر بر روی آن تأکید کردند و تا دوران معاصر نیز تداوم آن در تئوری‌های اجتماعی - شهری دیده می‌شود (مثلاً هیلبر، بنتلی، و حتی الکساندر)، آن است که هم‌جواری، روابط اجتماعی تولید می‌کند؛ به این معنا که با افزایش تماس‌های اتفاقی، هم‌پیوندی اجتماعی به وجود می‌آید و تقویت می‌شود. این امری است که عکس آن، در بسیاری نمونه‌ها رخ داده و افزایش تماس، تأثیری در عمق یافتن روابط افراد نداشته است (برولین خود نمونه‌ای را متذکر شده است).

به بیان برولین، نسل اول و دوم مدرنیست‌ها در یک امر اشتراک داشتند و آن اعتقاد به این بود که شیوهٔ «جدید» زندگی، نمی‌تواند در کالبد قدیمی صورت پذیرد و لذا فرم‌های جدید کالبدی را ضروری می‌دانستند و این درحالی بود که بسیاری مردم با سبک مدرن زندگی و حتی برخی از خود این معماران، خرید و بازسازی خانه‌های قرن نوزدهمی را بر زندگی در آپارتمان‌ها که یگانه فرم کاملاً جدید سکونت بود و مدرنیسم آن را در مقیاس وسیع ارائه کرد، ترجیح دادند (ibid, 80).

راه‌حل دیگر مدرنیست‌های نسل دوم، آن بود که به‌جای طراحی کالبد براساس رفتارهای معین، با لحاظ کردن درجاتی از تغییرپذیری، امکان تطابق کالبد با شیوهٔ زندگی را به خود کاربر بدهند. این امر به نوعی دیگر در طراحی مشارکتی رخ نمود که در آن اختیار تعیین‌کنندگی در کالبد به کاربر داده می‌شود. بنابراین در اینجا، در حالت اول، تأثیر

رفتار در کالبد، به مرحله پس از ایجاد فرم نهایی واگذار می‌شود و در حالت دوم به مرحله قبل از طرح‌واره اولیه واگذار می‌شود؛ اما نه به‌عنوان الگوهای رفتار - فضا، بلکه به‌عنوان «ترجیحات» کالبدی مردم.

در نگاه جامعه‌گرایان در حوزه معماری، نیز نوعی دیگر از تلاش رفتارگرایانه در تنظیم محیط کالبدی دیده می‌شود که ایدئال خود را در پیوندهای اجتماعی که در رفتارهای جامعه‌گرای افراد بروز می‌یابد، ترسیم می‌کند. هستر^{۱۵} در سامان‌دهی رفتار، مستقیماً به ترسیم مدل ایدئال زندگی نپرداخته است؛ اما دیدگاه هنجاری نهفته در مباحث وی را می‌توان کمابیش، به‌روشنی تشخیص داد: وی با تأکید بر نقش گروه‌های فراخانوادگی در شکل‌دهی به واحد همسایگی، به‌دنبال واحدهای اجتماعی بزرگ‌تری است که انسجام درونی هریک، حداقلی از تعامل فراخانوادگی را که ظاهراً یک اصل برای تحقق «محل» است، تضمین کند. به‌این ترتیب اینکه بتوان پیوند افراد درون یک خانواده را به گروه‌های سنی یا صنفی در سطح محله، با قوت بیشتری از پیوند خانوادگی ایجاد کرد، و مطلوبیت چنین امری، در مباحث وی به‌عنوان پیش‌فرض قرار گرفته است. لذا وی در طرح‌ریزی روابط سایت، بر رقابت و تعامل گروه‌هایی مانند نوجوانان و والدین، یا مثلاً زنان خانه‌دار و مردان می‌پردازد و منافع آنان را به‌عنوان عوامل رقیب طرح می‌کند. به این صورت، ضمن آنکه خانواده، به‌عنوان واحد اجتماعی، نقشی در تعیین روابط سایت ندارد، خانه نیز به‌عنوان الگوی فضا - رفتار کلان برای خانواده، بالاجبار جایگاهی در بحث‌ها نمی‌یابد و به‌جای آن، خوشه‌ها و بلوک‌های چندخانوادگی است که در روابط سایت تأثیر می‌گذارد. این امر به‌نوبه خود، فضای باز شخصی را از حوزه اصلی برنامه خارج و واحدهای دارای فضای باز مشترک را به‌عنوان الگوی مطلوب مطرح می‌کند و برای آنکه گروه‌های فراخانواده، حداکثر ارتباط را با حوزه نفوذ خود در سایت داشته باشند، ناگزیر، ارتباط مستقیم درون خانه با این حوزه مشترک، جایگاهی ارزشمند می‌یابد و لذا در «مولد اولیه» این نوع از طرح‌ریزی کالبدی، الگوی ثابتی متشکل از بلوک‌های آپارتمانی که حول فضاهای باز وسیع قرار گرفته‌اند، تکرار می‌شود.

در سوی دیگر، طیف و جایی که نگاه فردگرایانه‌تر حاکم است - حوزه روان‌شناسی محیط و نیز پدیدارشناسی معماری که ذهنیات فردی را مبدأ ورود به بحث معماری قرار می‌دهند - مفاهیمی چون «خلوت» و «فضای شخصی» یا «حس تعلق به مکان»، محل تمرکز بحث و ایدئال معماری است. ایدئال رفتاری مطرح در این طیف، به حداکثر رساندن آزادی عمل فردی به کمک کالبد است و در این راستا، ضرورت فضایی متعلق به «خود» و «تعلق فضایی» طرح می‌شود: «تأمین خلوت و کنترل قلمرو مکانی در طراحی محیط اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بعضی از نیازهای انسانی از قبیل هویت، انگیزش و امنیت از این طریق قابل ارضا هستند. حسین الشراکوی نیاز چهارمی را با عنوان چارچوب دآوری به این نیازها افزوده است» (لنگ ۱۳۸۱). مولد اولیه‌ای که برای اعمال این طیف از نظریه‌ها در معماری به کار گرفته می‌شود، در یک امر اشتراک دارد و آن تأکید بر فضای محصور (در پلان یا فضا) است؛ چیزی که شولتز با مفاهیم مرکز و حوزه، آلتمن با حوزه خلوت و ازدحام و نظریه‌پردازان جرم‌زدایی از محیط با تمرکز بر کیفیت مرزهای درون و بیرون (فضاهای قابل دفاع یا قابل نظارت) به آن پرداخته‌اند. مثلاً «نیومن» در تحقیق شناخته‌شده‌ای که «فضای غیرقابل دفاع» را در آن مطرح کرده، به این امر پرداخت که «آنچه در فضای ناآشنای کلان شهری بدان نیاز است، تراکمی متوسط یا فضای قابل دفاع با تراکمی متوسط است؛ جایی که ساکنان، محل را در دسترس دارند و کنترل می‌کنند و بدین ترتیب از رفتار جنایی، پیشگیری می‌کنند... یکی از اصول فضای قابل دفاع نیومن، نظریه تعریف و حفاظت مرزهای یک محیط بود، جلوی غریبه‌ها را گرفتن و بدین ترتیب، از خطر جنایت محفوظ ماندن» (مدنی پور ۱۳۷۹، ۱۲۱-۱۲۳). در نوع این مباحث، حوزه‌های بسته به‌صورت توپولوژیک (فارغ از ابعاد)، مورد تحلیل قرار می‌گیرد و کیفیات مرز بیش از درون حوزه اهمیت می‌یابد و این، با ایدئال رفتاری فوق‌الذکر - به حداکثر رساندن آزادی ادراک و عمل در درون حوزه - کاملاً مناسبت دارد. بحث فوق بر این نکته تأکید می‌کند که هر الگوی هنجاری رفتاری، تنها با گونه خاصی از «مولد اولیه» طراحی سازگاری مناسبی دارد و برعکس، هر انتخابی از «مولد اولیه»، در دل خود، نوع خاصی از هنجارهای رفتاری را نهفته دارد. در ادامه بحث، یافتن مولد اولیه طراحی خانه در منابع نقلی اسلام، به‌عنوان یک سیستم رفتاری خاص، پی گرفته می‌شود.

۳. مبانی نظری: رفتارگرایی در نسبت اسلام و معماری

اگر «معماری اسلامی» را آن گونه از محیط کالبدی تعریف کنیم که با شیوه زندگی مطلوب در اسلام تناسب دارد، مخالفت چندانی را بر نخواهد انگیزخت؛ اما «شیوه زندگی» را منحصر به امر درونی دانستن، قطعاً خلاف فهم عمومی از این اصطلاح است. در واقع عبارت مزبور بیشتر به امر بیرونی اشاره دارد و شامل رفتارها می شود. رفتار مسلماً از کالبد تأثیر می پذیرد، اما اینکه بر آن تأثیر بگذارد، چندان بدیهی نیست. به بیان واضح تر، انسان در رفتار، چه در انگیزه موجود آن و چه در حین انجام آن، ناخودآگاه تحت تأثیر کیفیات محیط است: چه در وجه فیزیکی محیط و چه آثار روانی آن. اما در هنگام ایجاد اثر کالبدی، می تواند کاملاً این امر را نادیده بگیرد و این، در مورد معماری غیربومی که طراح اثر با کاربر آن متفاوت است، یک اتفاق متداول است و در واقع عکس آن است که کمتر رخ می دهد. در عین حال در همان معماری بومی نیز این امر قابل بحث است که آیا ناخودآگاهی «طراحی» در این معماری، تضمین کننده لحاظ شدن آثار رفتار در شکل یا سازمان دهی کالبد است یا خیر. آیا مثلاً یک روستایی، در زمانی که دارد یک اتاق مدور گلی را برپا می کند، وجه غالب تفکر خودآگاه یا ناخودآگاه وی را وجوه رفتاری خاصی شکل می دهد که در ذهن وی از رابطه رفتار - کالبد حک شده، یا اینکه اموری همچون ارزش های کیهان شناختی است که در کانون تفکر وی (خودآگاه یا ناخودآگاه) قرار دارد. بخش زیادی از ادبیات تحلیلی معماری های پیش از صنعتی، به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، بر وجه اخیر تأکید دارد و لذا این احتمال کاملاً معقول است که یک معماری بومی نیز، اگر صرف الگوهای روزمره رفتار یا حتی ایدئال های آن هم مورد نظر باشد، پاسخ چندان متناسبی به موضوع نباشد. به این ترتیب حتی اگر ایدئال های رفتاری - اجتماعی یک فرهنگ به وضوح ترسیم شده باشد، و جامعه نیز کمابیش عامل به آن باشد، این امر تضمین کننده آن نیست که معماری آن (حتی به صورت بومی یا سنتی) متناسب با آن شیوه زندگی آرمانی باشد.

۳.۱. تأثیر و تأثر رفتار و معماری

به این ترتیب باید میان فرایند تأثیر معماری بر رفتار و تأثیر رفتار بر معماری، تمایز ماهوی قائل شد. در اولی، معماری با همه موجودیت خود، بر رفتار مؤثر است؛ حال آنکه در دومی، (جداً از اینکه ممکن است اصولاً بحث رفتار از معماری کنار گذاشته شود) رفتارهایی ممکن است بر معماری تأثیر بگذارد که مطلوب، مهم یا اجتنابناپذیر تلقی شود. تأثیر معماری بر رفتار از لحظه اکنون آغاز و تا آینده تداوم دارد؛ حال آنکه تأثیر رفتار بر معماری، مربوط به گذشته و مدت ها پس از اتمام فعل رفتاری است و به عکس حالت قبل، فرصت تأمل برای آن وجود دارد.

در این بحث منظور از «رفتار»، دو صورت می تواند داشته باشد: یکی رفتار مقطعی که در دوره کوتاهی از زمان از افراد سر می زند و دیگری رفتار تثبیت شده در گذر زمان که از آن می توان به رفتار فرهنگی تعبیر کرد که بر اثر تجربه و تکرار و یا پاداشی که از سوی مرجع ارزش گذار (جامعه، حکومت، دین و...) دریافت می کند، به هنجار یا عادت اجتماعی تبدیل می شود. رفتار نوع اول، با مطالعات تجربی و شبه تجربی، ممکن است در چارچوبی الگویی و ساختاریافته طرح شود؛ اما این امر، به ندرت یک ویژگی ذاتی آن رفتارهاست؛ اینکه مثلاً ردپای افراد در عبور از یک مکان ثبت شود و معیار طراحی قرار گیرد، متضمن آن نیست که این برداشت تجربی، یک ویژگی اجتماعی را ثبت کرده باشد و کاملاً محتمل است که این، صرفاً یک اتفاق باشد که به واسطه وجود مانعی عادی در یک جای مسیر متعارف، رخ داده باشد. این نوع الگویابی در رفتار که در علوم رفتاری برداشت می شود، می تواند در شکل دهی به کالبد به کار رود؛ اما اینکه این نوع از شکل دهی، هم سو با فرهنگ اجتماعی باشد، قابل اثبات نیست و در واقع، این روش، با اعراض از کل نگرایی و قرار دادن فعل در زمینه فرهنگی و بستر زمانی، شیوه ای فرهنگ زدایانه و غیرجامعه گرا را دنبال می کند و این ضعفی است که در طراحی محیط براساس علوم رفتاری می توان آن را مشاهده کرد. اما اگر قرار باشد که طراحی به تثبیت یا اصلاح الگوهای رفتار فرهنگی بپردازد، کاملاً ضروری است که رفتار مورد نظر در بحث، از نوع دوم باشد که در جریان تجربه زمانی یا از طریق تصدیقات هنجاری (فرهنگی)، به الگوهای رفتار تبدیل شده اند یا باید به الگو تبدیل شوند. مفهومی که در متون علوم رفتاری از قرارگاه رفتاری افاده می شود، کمی با آنچه اینجا مورد بحث است، تفاوت دارد. در آنجا مکان، رفتار و زمان، سه عاملی است که این مفهوم را می سازد و به تداوم یا پذیرش اجتماعی فعل ارتباطی

نمی‌یابد. اما در بحث حاضر، ویژگی مکانی یک رفتار «عادی» (به معنی عرفی و شایع در جامعه)، محصول فرایندی از تکرار و تصدیق است و لذا دارای ویژگی‌های فرهنگی منحصر به خود است و قابل تعمیم، به صرف یکسان بودن فرمی فعل نیست. در واقع در اینجا کیفیات کالبدی الحاق شده به یک فعل عادی شده اجتماعی است که عنصر اصلی سازنده قرارگاه رفتاری است و تفاوت آن با الگوی فضا - رفتار، آن است که در مورد اخیر، الحاقات ادراکی و شناختی محیطی به فعل، محور این پدیده است که در ذهنیت عمومی جامعه از «حال و هوا»ی فعل متجلی می‌شود؛ ولی مورد نخست، در امکانات فیزیکی و انتظارات کالبدی عموم برای انجام فعل ظهور می‌یابد. در این حالت، به عکس موضوع پیشین که در آن، نقش کالبد در فرایند رفتار از آغاز تا ظهور بیرونی، مورد بحث بود، نقش رفتارهای شکل یافته در حد جامعه (و نه موقت و فردی) در فرایند طراحی و پیدایش معماری مورد بحث است و از این روست که این بحث (به فرض تبیین مناسب) ماهیتاً بحثی است که می‌تواند برای خلق محیط کالبدی با کیفیت مورد نظر (اسلامی) به کار گرفته شود.

در این زمینه مفهوم متناسب‌تری که در ادبیات علوم رفتاری معماری دیده می‌شود، اصطلاح کُنام^{۱۶} است. در حوزه روان‌شناسی محیطی و در موضوع ارتباط رفتار با محیط، مفهوم قابلیت محیطی^{۱۷} ضمن آنکه مولود و نتیجه مفهوم قرارگاه رفتاری^{۱۸} است (شاهچراغی و بندرآباد ۱۳۹۴، ۹۵)، نسبت به این مفهوم و سایر مفاهیم این حوزه واجد امتیازاتی است. قابلیت محیطی از تعمیم در رابطه میان محیط کالبدی و رفتار شکل گرفته است و رویکرد و ابزارهایی در اختیار طراحان محیط و معماران برای طراحی مثبتی بر رفتار قرار می‌دهد (همان). این مفهوم، ارتباطی بین مفاهیم روان‌شناسی محیطی نظیر قلمرو، خلوت، مالکیت با کالبد و مصالح سازنده بنا ایجاد می‌کند (لنگ ۱۳۹۵، ۹۱). قابلیت محیطی، از این رو که به تعامل محیط و رفتار می‌پردازد، با کارکردی که در نقل اسلامی برای «معماری» لحاظ شده، هماهنگ است. از این منظر کُنام، به عنوان معمارانه‌ترین مفهوم در ادبیات قابلیت محیطی نقش مهمی ایفا می‌کند.

۴. یافته‌ها: کُنام‌های خانه

کُنام^{۱۹} متوجه چگونگی زندگی موجود زنده در زیستگاه خود است. این موضوع در قامت عنوان مکان‌ها ظهور می‌کند که مرزی مشخص دارد و بر اساس مقاصد رفتاری مشخصی برای کاربر سامان یافته است. کُنام‌ها می‌توانند نسبت به یکدیگر، هم‌پوشانی و یا نسبت جزء به کل و برعکس داشته باشند. بر این اساس، بررسی چستی عناوین فضایی مربوط به خانه که در قرآن و ادبیات روایی آمده است، منجر به تعریف کُنام‌های خانه در نظر اسلام می‌شود. این موضوع با بررسی چستی مفهوم لغات که همان عناوین مربوط به کُنام است، و همچنین نوع کاربرد کُنام‌ها و توضیحاتی که در آیات و روایات پیرامون آن آمده، صورت می‌پذیرد. «بیت» کُنامی که در موضوع سکونت به وجه مالکیت و استفاده از خانه نظر دارد و «دار» کُنامی است که مفهوم خانه را از حیث «حضور» مورد توجه قرار می‌دهد. سایر عناوینی که در آیات و روایات به مفهوم خانه و اجزای فضایی آن نظر دارند، دیگر کُنام‌های خانه هستند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۴.۱. بیت

ریشه بیت سکونت در شب است و وجه زمانی در مفهوم آن مستتر است (اهری مصطفوی ۱۳۹۹، ج. ۱: ۳۸۷). چنان که آمد، «بیت» به نوع استفاده از خانه نظر دارد و در معنی مزبور نیز اقامت در شب، بیان نوع استفاده از خانه است. مثبتی بر آیه «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل: ۸۰)، بیت با سکینه و آرامش در ارتباط است. مرجع ضمیر «کم» در عبارت «بُيُوتِكُمْ» انسان به معنای عام آن است. جعل الهی به معنای خاصیتی است که پس از خلق و تکوین، از سوی خداوند در شیء قرار می‌گیرد (اهری مصطفوی ۱۳۹۹، ج. ۲: ۱۰۵). به اعتبار حرف اضافه «مِن»، هر سرپناهی محل آرامش نیست و فقط برخی از آن‌ها مشمول جعل آرامش از سوی خداوند می‌شود (طباطبایی ۱۳۷۴، ج. ۱۲: ۴۵۴). نوع سکونت مطلوب الهی که زمینه‌ساز جعل آرامش از سوی خداوند در خانه است، سکونت خانوادگی است^{۲۰} و «بیت» محل سکونت خانوادگی است؛ از این رو در موضوع سکونت، «بیت» معنای مثبتی دارد و شناخت آن واجد اهمیت است. علاوه بر

معانی مزبور، چنان که گفته شد، با توجه به نوع استفاده از کلمه بیت در قرآن و روایات، مفهوم مالکیت به معنای صاحب بودن و استفاده کردن در این کلمه وجود دارد.

در آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم» (احزاب: ۵۴)، خانه‌های پیامبر(ص) در جوار مسجدالنبی که همسران پیامبر در آن حضور داشتند، «بیت» نامیده شده و حفظ قلمروی آن مورد تأکید است. برخی از خانه‌ها، اتاقی بوده است که حریم زوجین را تأمین می‌کرده است (طبرسی ۱۳۶۷، ج. ۳: ۲۳، ۱۸۵)، چنان که در آیه «ان الذین ینادونک من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون» (حجرات: ۴) خانه‌های پیامبر با تعبیر حجرات معرفی می‌شود و بر حفظ حریم آن‌ها سفارش شده است. مبتنی بر آیات مذکور و شأن نزول آن‌ها، اساس خانه، خانواده است و رعایت حریم و قلمرو خانواده، شرط تحقق بیت است؛ حتی اگر به لحاظ کالبدی در قامت یک اتاق باشد. مبتنی بر آیه ۵۸ سوره نور،^{۲۱} اصلی‌ترین حریم و قلمرو در خانه مربوط به زوجین است و مهم‌ترین زمان حفظ آن، زمان‌های سه‌گانه (ثلاث عورات لکم) است که عبارت‌اند از قبل نماز صبح، بعدازظهر، و بعد نماز عشاء. با این مقدمه، ذاتی^{۲۲} خانه، حریم و قلمرو زوجین است و حداقلی‌ترین تعریف خانه، تحقق این حریم در آن سه زمان است؛ سایر عملکردها در خانه می‌تواند مشترک باشد. این بیان وضعیت مطلوب نیست، بلکه بیان تعریف حداقلی و به بیان دیگر حد تحقق خانه است.

۴. ۲. دار

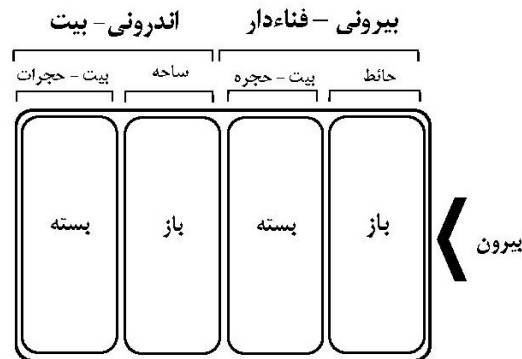
«دار»^{۲۳} معنای «احاطه» می‌دهد و به جدا کردن درون حیطة از بیرون آن نظر دارد (اهری مصطفوی ۱۳۹۹، ج. ۳: ۲۹۹) که به واسطه مرز، و با هدف حفاظت حیطة از هر آنچه بیرون آن و غیر آن است، واقع می‌شود. در «دار» غیر از احاطه، مفهوم «إحداق» هم وجود دارد (همان) که وجه دیگر «دار» را معرفی می‌کند. «إحاطه» اشاره دارد به مفهوم نظارت بر اینکه چیزی از بیرون به داخل سرایت نکند که متوجه «خلوت» در دار است، و «إحداق» به معنای نظارت بر اینکه چیزی از داخل به بیرون سرایت نکند و به مفهوم «محرمیت» در خانه نظر دارد. معنای دیگر «دار» که با ریشه «دور» بیان می‌شود، «باهم بودن درون مرز» است. «دور» به باهم بودن عناصر، فضاها و افراد درون «دار» نظر دارد. ترکیبات اضافی «دار» در قرآن کریم، عموماً به نوع و کیفیت «حضور» اشاره دارد: «دارُ السَّلام» (انعام: ۱۲۷)، «دارُ القَرار» (غافر: ۳۹)، «دارُ المَقامَة» (فاطر: ۳۵)، «دارُ الخُلد» (فصلت: ۲۸) و «دارُ البوار» (ابراهیم: ۲۸). در موارد متعددی هم عالم آخرت با تعبیر «الدارُ الآخرة»^{۲۴} آمده که مبین نوع دیگری از حضور است. در مواردی نیز تعبیر «الدار»، اشاره به آخرت دارد^{۲۵} که باز اشاره به نوع حضور متفاوت در عالم آخرت دارد. اما کلمه «دار» در معنای مادی آن، با توجه به نوع استعمالش در آیات و روایات، اشاره به خانه وسیع دنیوی دارد. چنان که از خانه قارون با کلمه «دار» یاد می‌شود.^{۲۶} در روایات نیز جایی که صحبت از خانه وسیع است از کلمه دار استفاده شده است (کلینی ۱۳۶۵، ج. ۶: ۵۲۶) در توضیح علت وسعت «دار»، باهم بودن و پذیرش دیگران ذکر شده است.^{۲۷}

۵. بررسی تطبیقی دار و بیت

با توجه به وجوه کالبدی و رفتاری قابلیت محیطی، برای تبیین بهتر دو کنام «بیت» و «دار»، از دو حیث کالبدی و نوع روابط و رفتار، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۵. ۱. قیاس کالبدی دار و بیت

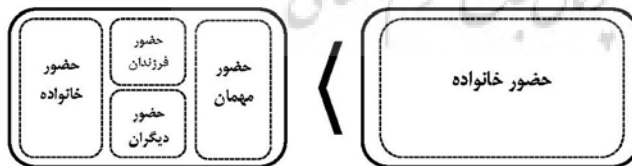
در ادبیات قرآنی و روایی، جایی که صحبت از خانه وسیع است، از کلمه «دار» استفاده شده^{۲۸} و دار، وسعت بیشتری نسبت به بیت دارد. چنان که آمده است توجیه وسعت دار، باهم بودن و پذیرش دیگران ذکر شده و کارکرد حیاط به عنوان بخشی از دار برای همین موضوع است.^{۲۹} در ادبیات روایی، کلمات مربوط به خانه به لحاظ وسعت از زیاد به کم به ترتیب عبارت‌اند از: قصر، دار و بیت. بیت زیرمجموعه دار نیز معرفی شده و به بخش مسقف خانه و یا اتاق نیز اطلاق شده است. خانه حداقلی نیز در قرآن با تعبیر بیت آمده است.^{۳۰} با این مقدمه، تعبیر بیت هم برای خانه کوچک و هم برای فضا یا فضاهای بسته خانه استفاده شده است.



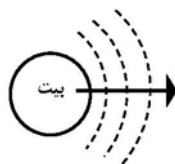
تصویر ۳: عناوین روایی بخش‌های «دار»، مبتنی بر باز و بسته بودن و ارتباط با بیرون

۲.۵. قیاس ماهیت روابط در دار و بیت

بیت مبتنی بر مفهوم مالکیت است و اشتراک مالکیت با دیگران، زمینه‌ساز استفاده ایشان از بیت است. به تعبیری، مالکیت به معنای صاحب بودن، زمینه تحقق معنای دیگر مالکیت است؛ مفهومی که با عنوان «استفاده کردن» معرفی می‌شود (ر.ک: اهری مصطفوی ۱۳۹۹، ج. ۱۱: ۸۱۷). مبتنی بر آیه ۵۸ سوره نور، و معنای روایی بیت که به فضای بسته حداقلی برای زندگی نظر دارد، بیت مفهومی مکان - رفتاری است و حریم و قلمروی زوجین، تعریف حداقلی بیت و هسته آن است؛ از این رو امکان دارد با ایجاد حریم برای زوجین جدید، خانه جدیدی در خانه قبلی ایجاد شود و بسته به تعداد زوجین در خانه، و رعایت حریم و قلمرو ایشان، یک خانه به چند خانه تبدیل شود که با عنوان «تکثیر» بیت معرفی می‌شود. همچنین کاسته شدن شمار خانواده‌ها، کاهش شمار خانه‌ها را در پی دارد که با عنوان «تجمیع» بیوت قابل معرفی است. گسترش هسته بیت و افزوده شدن مکان - رفتارهای مختلف برای یک خانواده نظیر فضای فرزندان، فضای مهمان و فضای خدماتی نیز با عنوان «توسعه» بیت معرفی می‌گردد. خصلت‌های تجمیع، تکثیر و توسعه بیت با ظهورات مختلف مفهوم انعطاف‌پذیری^{۳۱} قابل تحقق است. اما «دار» مبتنی بر حضور تعریف می‌شود و چنان‌که از معنای آن برمی‌آید، حیطة‌ای است که به واسطه مرز از بیرون جدا شده است (همان، ج. ۳: ۲۹۹) و کارکرد مرز، کنترل ورود و خروج به این حیطة و حضور در آن است. دار به واسطه حضورهای مختلف در آن تقسیم می‌شود؛ حضورهایی که در زمان‌های مختلف، در مقیاس‌های مختلف و مکان‌های مختلف در دار واقع می‌شود. از این رو تقسیم‌های دار، موقتی و کوتاه‌مدت است، چراکه مبتنی بر حضور افراد است؛ لکن توسعه و تکثیر بیت، بلندمدت است و می‌تواند موقتی یا دائم باشد، چراکه به استفاده از کالبد مربوط است.



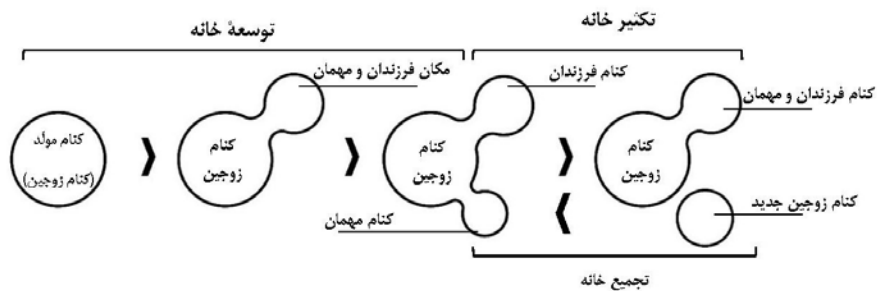
تصویر ۴: تقسیم دار به واسطه صورت‌های مختلف حضور



تصویر ۶: بیت به مثابه هسته‌ای که امکان رشد دارد.



تصویر ۵: دار به مثابه حیطة‌ای که به واسطه حضورهای متنوع تقسیم می‌شود.



تصویر ۷: توسعه، تکثیر و تجمع خانه

دار به وجه حضور فرد با خود یا با دیگران در خانه نظر دارد. در بسیاری از موارد در نقل اسلامی، به صورت ترکیب اضافی آمده است که مضاف‌الیه آن، مبین نوع حضور در دار است. نظیر «دَارُ السَّلَامِ» (انعام: ۱۲۷)، «دَارُ الْقَرَارِ» (غافر: ۳۹)، «دَارُ الْمُقَامَةِ» (فاطر: ۳۵)، «دَارُ الْخُلْدِ» (فصلت: ۲۸) و «دَارُ الْبَوَارِ» (ابراهیم: ۲۸). در «دار»، موجبتی است که نوع حضور را تعیین می‌کند؛ لکن بیت، خالی از موجبتی است و در ترکیبات اضافی، مضاف‌الیه بیت، «مالکیت» آن را تعیین می‌کند: نظیر بیت‌الله، بیوت‌النبی، بیت علی، و یا نوع استفاده از مکان را مشخص می‌نماید نظیر بیت‌الضیافه.^{۳۲} در آیه ۹ سوره حشر «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ...»، انصار خانه‌هایشان را برای پذیرش مهاجرین آماده کرده‌اند (قرآنی ۱۳۸۸، ج. ۹، ۵۴۶). «آماده کردن» یا فعل «تَبَوَّأُوا» و «خانه» یا «الدَّار» آمده است. ریشه «تَبَوَّأُوا» به معنای کم کردن و نازل کردن است^{۳۳} (اهری مصطفوی ۱۳۹۹، ج. ۱: ۳۸۰). موجبتی «دار» که نوع حضور را تعیین می‌کند، متأثر از فرهنگ و بوم هر منطقه است؛ و به منظور آمادگی دار جهت پذیرش و حضور دیگرانی با فرهنگی متفاوت، این موجبتی می‌بایست کمرنگ شود و تنزل یابد. در آیه مذکور و روایات مربوط به دار، دار کارکردی اجتماعی دارد که ریشه‌اش در مفهوم مبنایی آن، یعنی «حضور» است. اما بیت، مبتنی بر آیه ۱۵ سوره نساء^{۳۴} و روایات مربوط به بیت، منقطع از بیرون است که ریشه در مفهوم مبنایی آن، یعنی «مالکیت» و «استفاده» دارد. به لحاظ سیر تکامل می‌توان گفت خانه در مرحله ایجاد، «بیت» است و پس از توسعه‌ای که متأثر از فرهنگ و بوم است «دار» می‌شود.

بررسی «بیت»ی که «اهل بیت» (ع) به آن منسوب شده‌اند نیز واجد اهمیت است. در حدیث کساء، پیامبر (ص) در خانه حضرت فاطمه (س) یا خانه ام‌سلمه، عبا ضخمی را به عنوان «بیت» بر سر می‌کشند و به واسطه این عبا، بیتی در بیت دیگر برپا می‌کنند. ایشان فرزند، داماد و دو نوه خود را اذن ورود به زیر عبا می‌دهند؛ همسرشان، ام‌سلمه، برای ورود به این بیت اذن نمی‌یابد (ری شهری ۱۳۹۳، ج. ۵: ۶۴). پیامبر (ص) پنج نفر زیر عبا را «اهل بیت» معرفی می‌کنند^{۳۵} و آیه تطهیر^{۳۶} نازل می‌شود. مالکیت این بیت از آن پیامبر اکرم (ص) است و استفاده کنندگان آن، اهل بیت ایشان هستند. نحوه حضور در این بیت با محوریت پیامبر (ص) در میان، حضرت علی (ع) روبه‌روی پیامبر اکرم، امام حسن و امام حسین (ع) به ترتیب سمت راست و سمت چپ پیامبر اکرم و حضرت فاطمه (س) پشت پیامبر اکرم شکل گرفت (فرات کوفی ۱۴۱۰ ق، ۳۳۴؛ مقریزی ۱۹۹۹، ج. ۵: ۳۸۳). لکن آنچه در این بیت، معرّف اهل آن است، نحوه حضور نیست، بلکه صرف استفاده از آن است؛ از این رو از واژه بیت بهره گرفته شده و ترکیب اضافی «اهل البیت» شکل گرفته است. چنان‌که آمد، مولد‌های اولیه خانه مبتنی بر رفتارهای مطلوب اسلامی و کنام‌های خانه در نقل اسلامی به دو دسته قابل تقسیم هستند: «مولد اولیه دار» که با محوریت تنوع حضور افراد خانواده و مهمانان محقق می‌شود و عرصه‌ها به واسطه حضورهای متنوع اهل خانه و مهمانانشان در آن شکل می‌گیرد. «دار»، مفهومی سیال است و خانه در هر لحظه و با هر نوع حضور از این منظر قابل تحلیل و ارزیابی است. عنصر «حیات» در خانه، نقشی مهم در این مولد اولیه ایفا می‌کند؛ دوم، «مولد اولیه بیت» است که معنای حداقلی خانه را افاده می‌کند و متناسب با قبض و بسط خانواده، امکان توسعه، تکثیر و تقسیم را برای خانه فراهم می‌آورد. مفهوم بیت را در طول زمان و به واسطه تغییرات در کاربر خانه و افزوده و کاسته شدن خانواده‌ها می‌توان تحلیل نمود. متناسب با تغییر کاربر خانه، تغییرات در کالبد خانه و ادغام

و تفکیک مکان‌ها و عرصه‌های خانه را می‌توان بازشناسی کرد. مولد اولیه خانه، لزوماً دار به معنای مطلق آن یا بیت به معنای مطلق آن نیست، بلکه با ترکیبی از این دو مفهوم مواجهیم که بنا به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، یکی از این دو مفهوم قوت می‌یابد.

۶. توسعه و تکثیر بیت و تفکیک دار در سیر تحول خانه؛ نمونه مورد بررسی: خانه روحانی

برای آزمون اثرگذاری مولدهای اولیه فوق در طرح یک خانه، نمونه خانه یک خاندان که مقید به تعالیم دینی بودند انتخاب شد. خانه روحانی واقع در شهر قم، محله گذر قلعه به عنوان نمونه مورد مطالعه این پژوهش است. علت انتخاب این خانه، اقامت نسل‌های مختلف خانواده روحانی و موجود بودن اطلاعات ایشان است. علت دیگر، جاری بودن سبک زندگی و اصول رفتاری اسلامی در بهره‌برداران ادوار مختلف این خانه است. همچنین مستندات لازم برای بررسی سبک زندگی و سیر تحول خانه در دسترس است. این خانه اکنون نیز مورد بهره‌برداری این خانواده است.

۶.۱. بررسی خانه روحانی

مولد اولیه دار به واسطه تنوع حضور افراد در خانه رقم می‌خورد. برای احصای انواع حضورها، مصاحبه‌هایی با اهالی خانه و مهمانان آن صورت پذیرفت. در موقعیت‌هایی که در تصویر ۸ با شماره ۱ تا ۴ مشخص شده، حضور افراد خانواده باهم و با مهمانان در فضای باز گزارش شده است. این حضور مربوط به فصول گرم سال است که دمای هوا امکان حضور در محیط باز را فراهم می‌نموده است. هریک از این موقعیت‌ها در فضای باز کیفیت متفاوتی با سایر موقعیت‌ها دارد و پیرو آن در زمان مشخصی از شبانه‌روز و برای رفتارهایی مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد و کیفیت‌های حضور متنوعی را موجب می‌شود. تنوع کیفیت این موقعیت‌ها، معلول عوامل آفتاب‌گیری و سایه‌گیری، نزدیکی به مکان‌های بسته، در مسیر تردد نبودن و دنج بودن، دیده نشدن از سوی فرد واردشونده به حیاط، وسعت سطح و شمار افراد قابل حضور است. ترکیب‌های دوگانه یا چندگانه این عوامل موجب شکل‌گیری قابلیت‌های محیطی متنوع برای جای‌جای حیاط شده و پیرو آن هر بخش از حیاط پیشنهاد رفتارهایی خاص در زمان‌های مشخص را به کاربر می‌دهد.

موقعیت ۱، به واسطه سایه‌گیر بودن، محل صرف صبحانه و زندگی اهل خانه در ایام بهار و تابستان از صبح تا پیش از ظهر و همچنین محل بازی کودکان در این ایام بوده است. موقعیت‌های ۲ و ۳، محل استقرار چند تخت و حضور اهل خانه و مهمانان هرروزه در فصول گرم سال از عصر تا شب و صرف شام بوده و خواب اهل خانه در این موقعیت واقع می‌شده است. خانه هر روز پذیرای مهمانانی بوده که معمولاً عصرها وارد می‌شدند و در این محل حضور می‌یافتند. شب‌های پنج‌شنبه که جلسات علمی هفتگی مردانه در بخش بیرونی برگزار می‌شده، خانواده حاضرین جلسه نیز معمولاً می‌آمدند و در این فضا پذیرایی می‌شدند. موقعیت ۳ به جهت نزدیکی بیشتر با ورودی فضاها، بسته، نسبت به موقعیت ۲ بیشتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. موقعیت ۴، با استقرار تختی روی حوض، محلی مناسب برای اقامت شبانه اهل خانه و صرف شام بوده است. فضاها بسته اندرونی به واسطه وجود درب‌هایی که آن‌ها را به هم مرتبط می‌کند، امکان ادغام در مواقع برگزاری مهمانی‌های پرجمعیت را فراهم می‌آورد. همچنین استقلال هر اتاق، با بسته شدن درب‌ها تأمین می‌شود. بخش اندرونی خانه، حوزه زنانه خانه است. نظر به اینکه درب خانه از بعد نماز صبح تا آخر شب یعنی زمانی که اهل خانه قصد خواب داشتند باز بوده، محرمیت و خلوت بخش اندرونی، به صورت خاص حیاط اندرونی، با دالانی بلند و کم‌نور که در انتهای آن پرده‌ای نصب است تأمین می‌شود. بعد از ورود به حیاط نیز درختان متراکم انار مانع از رؤیت سمت شمالی حیاط می‌شود. دالان مرز بین بهره‌مندی عام و بهره‌مندی خاص و مرز بین حضور افراد محرم و نامحرم است و تناسبات باریک و بلند و تاریک بودن آن، حذر از ورود به بخش اندرونی را به کاربر القا می‌کند.

۶.۲. تحلیل مولدهای اولیه دار و بیت در ادوار مختلف خانه

بهره‌برداران این خانه و پیرو آن قلمروهای خانه از سال ۱۳۲۰ تاکنون در پنج دوره تغییر کرده‌اند. حفظ مولد اولیه دار با ورود خانواده‌های جدید و تبدیل خانه به خانه‌ها که مربوط به مولد اولیه بیت است، مسئله این خانه بوده است که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.



تصویر ۸: عرصه‌های حضور در خانه آیت‌الله روحانی

۱. دوره اول، پیش از ۱۳۲۸ ش. در این دوره، خانه محل اقامت آیت‌الله سید ابوالحسن روحانی و همسر و فرزندان ایشان بوده است. خانه شامل بخش بیرونی و اندرونی است که بخش بیرونی، حوزه مردانه خانه و محل رجوع مردم به آیت‌الله سید ابوالحسن روحانی بوده است. این کارکرد بخش بیرونی تا سال ۱۳۷۹ که فرزند ایشان آیت‌الله سید مهدی روحانی در قید حیات بود، همین کارکرد را داشت و اکنون نیز جلسات علمی هفتگی در این محل برگزار است. بخش اندرونی حوزه زنانه خانه بوده و خانواده ایشان و مهمانان خانم به این حوزه وارد می‌شدند (تصویر ۹). این تفکیک حوزه‌ها تا هنوز نیز برقرار است. در بخش اندرونی ورودی اتاق‌ها به واسطه پیش‌فضایی که در امتداد اتاق میانی بود صورت می‌گرفت (تصویر ۱۱).

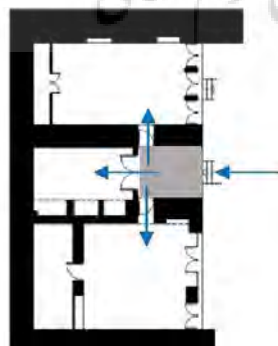


تصویر ۹: دوره اول: خانه آیت‌الله سید ابوالحسن روحانی

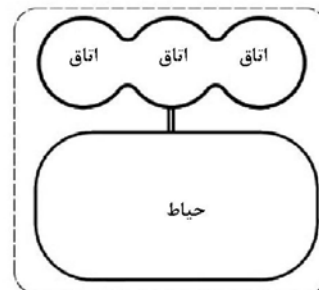
مطالعه معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۲۳۱

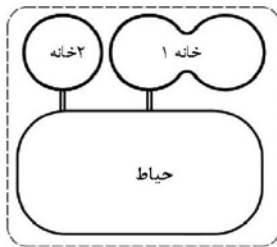


تصویر ۱۱: ورودی اتاق‌های بخش اندرونی

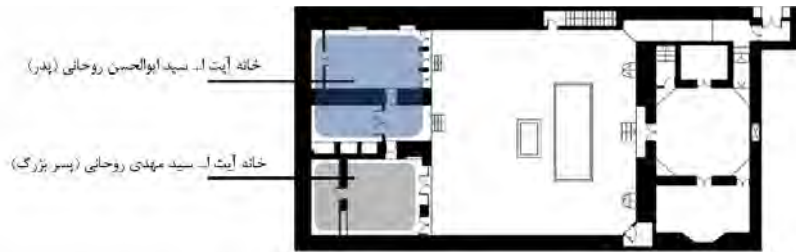


تصویر ۱۰: دیاگرام مولد بیت در دوره اول

۲. دوره دوم: پسر ارشد خانواده، آیت‌الله سید مهدی روحانی در سال ۱۳۲۸ ازدواج می‌کند و در بخش اندرونی، در اتاق غربی مستقر می‌شود. این اتاق پیش‌تر اتاق پذیرایی از مهمانان بانوی خانه بوده است. پیش‌فرض فضای میان سه اتاق، بخش رابط این دو خانواده است.



تصویر ۱۳: دیاگرام مولد بیت در دوره دوم



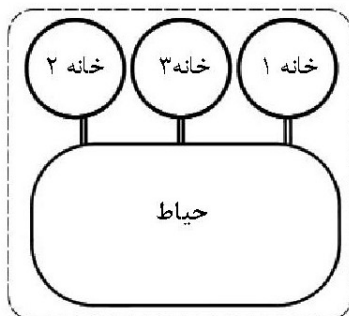
تصویر ۱۲: دوره دوم: خانه دوخانواری

۳. دوره سوم: در سال ۱۳۳۳ فرزند دیگر ایشان، آیت‌الله سید هادی روحانی ازدواج می‌کند و در اتاق میانی اندرونی مستقر می‌شوند. در این دوره والدین در اتاق شرقی مستقر بودند. اتاق میانی به منظور استقرار خانواده جدید، بزرگ‌تر شد و بخشی از پیش‌فرض فضای ورودی به آن افزوده شد. همچنین ورودی اتاق‌ها (خانه‌ها) مستقل شد و پله‌ای برای هر یک از اتاق‌ها برای ورودی مستقیم از حیاط ساخته شد.

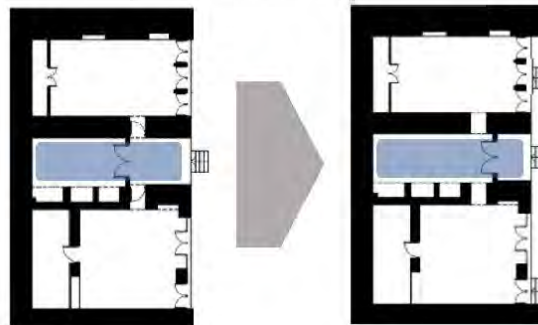


تصویر ۱۴: دوره سوم: خانه سه خانواری

افزایش تعداد خانواده‌های مستقر در این خانه، تکثیر خانه را به همراه داشته که مربوط به «مولد بیت» است. این تکثیر، با حفظ کیفیت‌های متنوع حضور در خانه که مربوط به مولد دار است، همراه بوده است.

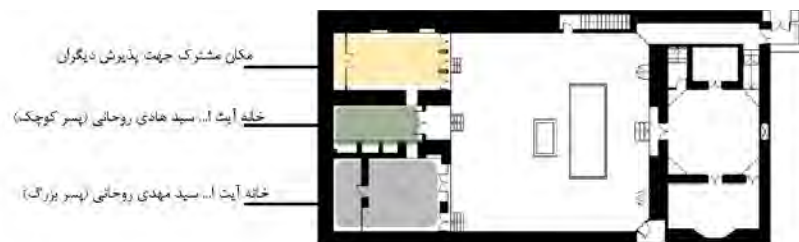


تصویر ۱۶: دیاگرام مولد بیت در دوره سوم



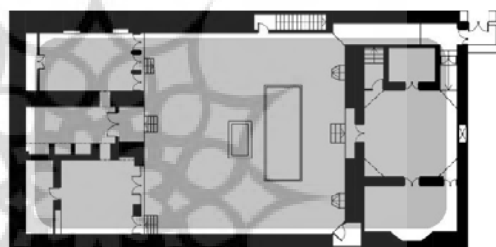
تصویر ۱۵: توسعه اتاق میانی و تأمین ورودی مستقیم اتاق‌ها از حیاط

۴. دوره چهارم: در سال ۱۳۴۲ والدین مرحوم شدند و اتاق والدین به محل مهمانی مشترک خانواده‌های دو برادر تغییر کاربری می‌دهد.



تصویر ۱۷: دوره سوم: خانه سه خانواری

۵. در سال ۱۳۴۷، برادر بزرگ، سهمی را که برادر کوچک و دیگران از خانه داشتند، می‌خرد و برادر کوچک از خانه نقل مکان می‌کنند. از آن تاریخ تاکنون این خانه، تک خانواری است و محل استقرار خانواده برادر بزرگ است



تصویر ۱۸: خانه تک خانواری

جدول ۱: مولدهای اولیه بیت و دار در ادوار مختلف خانه روحانی

دوره	بازه زمانی	مولد اولیه بیت	مولد اولیه دار
اول	پیش از سال ۱۳۲۸	خانه تک خانواری: خانه در اختیار یک خانواده بوده و دسترسی به اتاق‌های اندرونی به واسطه یک پیش‌فضا صورت می‌گرفته است.	حیات: در ایام گرم سال برای حضور و پذیرایی از مهمان، صرف صبحانه و شام، خواب شبانه، برگزاری مراسمها و دوره‌های اعضای خانواده. کارکردهایی که در تمام سال جریان داشته شامل بازی کودکان، تأمین حریمیت و خلوت بخش اندرونی. • اندرونی: پذیرش مهمانان بانوی خانه در اتاق غربی اندرونی. • بیرونی: پذیرش گسترده آقایان در بخش بیرونی خانه شامل ملاقات‌های عام روزانه با صاحبخانه به‌عنوان عالم شهر و برگزاری مراسمات مذهبی هفتگی.
دوم	۱۳۳۳-۱۳۳۸	خانه دو خانواری: خانه در اختیار دو خانواده بوده و متشکل از دو خانه جزء است. فضای تفکیک دوخانه، پیش‌فضای مسقف جلوی اتاق میانی است. حریمیت خانه (اتاق‌ها)، به واسطه بستن درب‌ها و پوشش پرده‌های پشت‌پنجره‌ای تأمین می‌شود.	حضورها و رفتارهای بیرونی و حیات مثل دوره اول است. مهمانان پدر و پسر در بخش بیرونی حضور می‌یابند. مهمانان بانوی بزرگ در اتاق میانی و مهمانان عروس خانه در اتاق غربی پذیرایی می‌شوند.
سوم	۱۳۳۳-۱۳۴۲	خانه سه خانواری: خانه در اختیار سه خانواده و متشکل از سه خانه جزء است. تغییر در اتاق میانی و ایجاد ارتباط مستقیم اتاق‌ها از حیات.	حضورها و رفتارهای مربوط به بخش بیرونی خانه و حیات مثل دوره‌های اول و دوم است. مهمانان پدر و پسران در بخش بیرونی حضور می‌یابند. مهمانان بانوی خانه در اتاق خودشان پذیرایی می‌شوند.
چهارم	۱۳۴۲-۱۳۴۷	خانه دو خانواری: خانه در اختیار دو خانواده بوده و متشکل از دو خانه جزء است. اتاق‌ها به‌صورت مستقیم به حیات ارتباط دارند.	حضورها و رفتارهای مربوط به بخش بیرونی خانه و حیات مثل دوره‌های پیشین است. مهمانان دو برادر در بخش بیرونی حضور می‌یابند. اتاق شرقی در بخش اندرونی محل مشترک پذیرایی از مهمانان بانوان خانه است.
پنجم	۱۳۴۷ - اکنون	خانه تک خانواری: خانه در اختیار یک خانواده و کاربرد آن مشابه دوره اول است.	کارکرد حیات، بخش بیرونی و فضاهای بسته بخش اندرونی همانند دوره اول است.

در این ادوار پنج‌گانه، تنوع کیفیات حضور در خانه حفظ شد و حیاط نقش اصلی را در تأمین اقتضائات مولد دار ایفا کرده است. تأمین خلوت و محرمیت اتاق‌ها و تعریف قلمروهای جدید برای اتاق‌ها، امکان استقرار خانواده‌های جدید را فراهم آورده است. حفظ مولد اولیه دار در این ادوار که تغییر کاربران خانه را به همراه داشته با تغییرات اندک و به‌واسطه انعطاف‌پذیری خانه محقق شده است. اکنون نیز که همسر فرزند ارشد به‌تنهایی در خانه زندگی می‌کند، خانواده‌ای دیگر در بخش بیرونی خانه مستقر شده‌اند و به کارهای روزانه این بانوی سالخورده رسیدگی می‌کنند و مانع از تنهایی ایشان در این خانه شده است. در مکان‌های بسته به‌واسطه امکان تفکیک و ترکیب شدن مکان‌ها، استقلال در ورود و تأمین خلوت، محرمیت، قلمرو و شخصی‌سازی، قابلیت‌های محیطی متنوعی پدید آمده که موجب تحقق مولد اولیه بیت با تغییرات کاربران در طول زمان شده است. در حیاط، ویژگی‌های آفتاب‌گیری و سایه‌گیری، نزدیکی به مکان‌های بسته و ارتباط با آن مکان‌ها، در مسیر تردد نبودن و دنج بودن، دیده نشدن از سوی فرد واردشونده به حیاط، وسعت سطح و ظرفیت بالای پذیرش افراد، قابل توجه است. ترکیب‌های دوگانه یا چندگانه این ویژگی‌ها موجب تحقق قابلیت‌های محیطی متنوع در حیاط شده و هر بخش از حیاط امکان حضوری منحصر به فرد را فراهم آورده است. پاسخ‌گویی خانه به یک تا چند خانواده مقیم، به‌واسطه حفظ مولد اولیه دار و تغییرات در مولد اولیه بیت محقق گردیده است.

نتیجه

در مسیر بررسی سائق‌های معماران برای رسیدن به طرح در حوزه معماری اسلامی که می‌توان آن را ذیل موضوع نسبت تعالیم تربیتی اسلام با فرایند طراحی معمای برشمرد، نیاز به مرور رویکردهای مختلف در حوزه فرایند طراحی معماری است. پژوهش پیش رو، مولد اولیه را به‌عنوان قدم اول در پاسخ به مسئله پژوهش مورد توجه قرار داده است. مولد اولیه‌ای که مبتنی بر رفتارهای انسان شکل می‌گیرد. در این مسیر، رفتارهای مطلوبی که از منابع دست‌اول اسلامی به دست می‌آید، وجهی از مولد اولیه را شکل می‌دهد. وجه دیگر اما با تحلیل کنام‌های مربوط به خانه در منقولات اسلامی و یافتن ویژگی‌های آن‌ها روشن می‌شود.

مفهوم خانه با دو عنوان «بیت» و «دار» در منابع نقلی اسلامی مورد توجه قرار گرفته که هر یک واجد ویژگی‌های متفاوت با دیگری است. اینکه معمار، کدام‌یک از این دو مولد اولیه را به‌عنوان مبنای طراحی خانه برمی‌گزیند، بستگی به بستر معماری و ویژگی‌های فرهنگی کاربران آن دارد. مولد اولیه بیت ناظر به وجه مالکیت خانه است و به فضای بسته حداثی برای زندگی نظر دارد. بیت مفهومی مکان - رفتاری است و حریم و قلمرو زوجین، تعریف حداثی بیت و هسته آن است. از این رو با ایجاد حریم برای زوجین جدید، خانه جدیدی در خانه قبلی ایجاد شود و بسته به تعداد زوجین در خانه، و رعایت حریم و قلمرو ایشان، یک خانه به چند خانه تبدیل شود که با عنوان «تکثیر» بیت معرفی می‌شود. همچنین کاسته شدن شمار خانواده‌ها، کاهش شمار خانه‌ها را در پی دارد که با عنوان «تجمیع» بیت قابل معرفی است. گسترش هسته بیت و افزوده شدن مکان - رفتارهای مختلف برای یک خانواده نظیر فضای فرزندان، فضای مهمان و فضای خدماتی نیز با عنوان «توسعه» بیت معرفی می‌گردد. خصلت‌های تجمیع، تکثیر و توسعه بیت با ظهورات مختلف مفهوم انعطاف‌پذیری قابل تحقق است. مولد اولیه «دار» اما مبتنی بر حضور تعریف می‌شود و چنان‌که از معنای آن برمی‌آید، حیاط‌ای است که به‌واسطه مرز از بیرون جدا شده و کارکرد مرز، کنترل ورود و خروج به این حیاط و حضور در آن است. دار به‌واسطه حضورهای مختلف در آن تقسیم می‌شود؛ حضورهایی که در زمان‌های مختلف، در مقیاس‌های مختلف و مکان‌های مختلف در دار واقع می‌شود. از این رو تقسیم‌های دار، موقتی و کوتاه‌مدت است، چراکه مبتنی بر حضور افراد است؛ لکن توسعه و تکثیر بیت، بلندمدت است و می‌تواند موقتی یا دائم باشد چراکه به استفاده از کالبد مربوط است. این دو مولد اولیه دو سر طیفی هستند که با توسط معمار و به تناسب شرایط خانه و کاربران آن، مفهوم خانه را تعیین می‌بخشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. پژوهش‌هایی نظیر «زیبایی‌شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی» (عابدی و محمدیان یامی ۱۳۹۷)، «بازشناسی هویت معماری اسلامی با نگرش بر معماری مسجد سلطان احمد شهر استانبول» (حاجی حسن و احمدی ۱۴۰۱)، «بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌بخش معماری در روند جهانی شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجدالحرام و حرم حضرت امام رضاع)» (فلاح زرومی و حمزه‌نژاد ۱۴۰۲).
۲. پژوهش‌هایی نظیر «بیان نمادین در تزیینات معماری اسلامی» (ایمنی ۱۳۸۹)، «تجلی حکمت صدرایی در معماری اسلامی» (عوض‌پور، نامور مطلق، و محمدی خبازان ۱۳۹۳)، «حکمت عدد هشت در هنر و معماری اسلامی» (وئوق‌زاده، حسنی‌پناه، و عالیخانی ۱۳۹۵) و «شواهد قرآنی هندسه حاکم بر آثار هنر و معماری اسلامی» (اکبری ۱۳۹۷).

3. Ziesel
4. Krobkin
5. Darke
6. Lawson
7. Primary Generator
8. Niche
9. Qualitative Content Analysis
10. Durand
11. Gottfried Semper
12. Der Stil
13. Brolin
14. Smithsonian
15. hester

۱۶. کُنام، مترادف با Niche یا Echological Niche است. محمدی در رساله دکتری خود با عنوان «چارچوب تبیینی محیط ساخته‌شده براساس نظریه قابلیت محیطی» که در سال ۱۳۹۸ دفاع شده، برای «Niche» ترجمه «کنام» و در مقاله «جستاری در کاربرد مفهوم «قابلیت» در طراحی و ارزیابی محیط ساخته‌شده» سال ۱۳۹۶، کلمه «کنج» را پیشنهاد داده است. از نظر ایشان، «کنام» واژه مناسب‌تری است. علت آن، بار معنایی خاص کلمه «کنج» است که معنای گوشه‌ای از یک فضا را متبادر می‌کند و این معنا با معنای اصطلاحی «Niche» مترادف نیست.

17. Affordance
18. Behavioral Setting
19. Niche

۲۰. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹).

۲۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتِ إِذْكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.»

۲۲. حاجی سبزواری در تعریف ذاتی یک شیء چهار ویژگی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: «بی‌نیازی از سبب یعنی معلل نبودن»، «بین‌الثبوت بودن»، «قابل تخلف و تغییر نبودن»، «مقدم بودن بر ماهیت ذوالذاتی در تعقل» (ذاتی شیء لم یکن معللاً، ذاتی کل شیء بین‌الثبوت له، الذاتی لا یختلِف ولا یتخلف، کان ما یسبقه تعقلاً). با این مقدمه، ذاتی خانه، امری مفهومی است و نه مکانی، و آن، رعایت حریم زوجین است. چهار خصیصه بالا در موضوع حریم زوجین از منظر نقل اسلامی قابل اثبات است (نور: ۵۸).

۲۳. ان الاصل الواحد فی هذا المادة هو الاحاطة و توضیح ذلك انه قد مر فی مادة حوط: ان الاحاطة یلاحظ فیها جهت الاستیلاء

بالرعاية والتوجه، وفي الاحداق، بالنظر و في الاطافة جهت الطواف و في الاستيلاء، جهت الولاية.
۲۴. نحل: ۳۰، انعام: ۳۲، احزاب: ۲۹، قصص: ۸۳، بقره: ۹۴، عنكبوت: ۶۴، اعراف: ۱۶۹، يوسف: ۱۰۹ و قصص: ۷۷.

۲۵. ص: ۴۶، رعد: ۴۲.

۲۶. «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ» (قصص: ۸۸).

۲۷. امام علی(ع) در روایتی اشاره دارد بر اینکه اگر مؤمن در دنیا به دنبال آخرت خود باشد، باید خانه وسیع برای خود فراهم سازد تا در آن مهمانی داده، صلۀ رحم به جا آورد و حقوق الهی و مردم را در آن خانه ادا نماید (جوادی آملی ۱۴۰۳ ق، ۱۷۴).
و امام علی(ع): «إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَ شَرَفَهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَ الْخَلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَتَةً وَ بَرَكَتُهَا جُودَةٌ مُوضِعُهَا وَسَعَةُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جِوَارِ جِيرَانِهَا»؛ خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم‌نشینیان خوب است. و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است (کلینی ۱۳۶۵، ج. ۴: ۴۹).

۲۸. «و من كلام له (عليه السلام) بالبصرة و قد دخل على العلاء بن زياد الحرثي - و هو من أصحابه - يعود، فلما رأى سعة داره قال: ما كنت تصنع [بِسَعَةِ] بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَا] وَأَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتَ أَحْوَجُ؛ وَ بَلَى إِنَّ شَيْئًا بَلَّغَتْ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرَى فِيهَا الضِّيْفُ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمُ وَ تُطْلَعُ مِنْهَا الْحُقُوقُ مَطْلَعَهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَّغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ.» امام علی(ع) در بصره به عبادت علاء بن زیاد حرثی رفت و علاء از اصحابش بود. چون فراخی خانه‌اش را دید، چنین فرمود: سرایی به این فراخی در دنیا به چه کارت می‌آید و حال آنکه در آخرت نیازت بدان بیشتر است. البته اگر بخواهی، با همین خانه به خانه آخرت هم خواهی رسید، هرگاه در آن مهمانان را طعام دهی و خویشاوندان را بنوازی و حقوقی را که به گردن توست ادا کنی. بدین سان، به خانه آخرت هم پرداخته‌ای (نهج البلاغه ۱۳۸۷، ۳۲۴).

۲۹. تعریف دار در فقه، زمین محصوری است که دارای فضای باز و غیر مسقف و ساختمان مسکونی و انباری و غیره می‌باشد (مروج ۱۳۷۹، ۲۲۱).

۳۰. «وَأِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (احزاب: ۱۳). منافقین از خانه‌های حادق‌لی خود وقتی صحبت می‌کنند که حتی دیوار ندارد، از تعبیر بیت استفاده می‌کنند.

31. flexibility

۳۲. لكل شيء زكاة و زكاة الدار مهمان خانه به عنوان بخشی از خانه با تعبیر بیت‌الضیافه آمده و زیرمجموعه دار معرفی شده است؛ چنان‌که بیت، به واسطه توسعه، دارای بیت‌الضیافه شده و نام آن دار شده است (ری شهری ۱۳۸۹، ۲۲).

۳۳. هو الرجوع الى السفل، ای الانحطاط و التنزل.

۳۴. «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا.» و از زنان شما کسانی که مرتکب زنا می‌شوند چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه گیرید پس اگر شهادت دادند آنان [= زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد (نسا: ۱۵).

۳۵. «اللهم هؤلاء اهل بيتي و عترتي فاذهب عنهم الرجس يتطهرهم تطهيرا» (ری شهری ۱۳۹۱، ۸۸).

۳۶. احزاب: ۳۳.

منابع

- قرآن کریم، ۱۳۹۳. ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: مرکز طبع نشر قرآن کریم.
- نهج البلاغه. ۱۳۸۷. گردآوری محمد بن حسین شریف الرضی. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه دارالهیجره.
- احمدی، حمیده، و سیما حاجی حسن. ۱۴۰۱. بازشناسی هویت معماری اسلامی با نگرش بر معماری مسجد سلطان احمد شهر استانبول. جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی ۱ (۳): ۲۲-۴۲.
- اکبری، فاطمه. ۱۳۹۷. شواهد قرآنی هندسه حاکم بر آثار هنر و معماری اسلامی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۲۲ (۷۷): ۵۷۸-۵۶۱.

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۸ - پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۲۳۶

- اهري مصطفوی، حسن. ۱۳۹۹. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. جلد ۱-۳ و ۱۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایمان، محمدتقی، و محمودرضا نوشادی. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای کیفی. پژوهش. نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی ۳ (۳۹): ۴۴-۱۵.
- ایمنی، عالیہ. ۱۳۸۹. بیان نمادین در تزیینات معماری اسلامی. کتاب ماه هنر، ش. ۱۴۲: ۸۶-۹۳.
- پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۸۶. *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت*. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۴۰۳. *مفاتیح الحیات*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. *خانه، فرهنگ، طبیعت*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ری شهری، محمد. ۱۳۹۱. *اهل بیت (ع) در قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آذیر. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- ری شهری، محمد. ۱۳۹۳. *حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)*. جلد ۵. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- ری شهری، محمد. ۱۳۸۹. *فرهنگ‌نامه مهمانی*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- شاهچراغی، آزاده، و علیرضا بندرآباد. ۱۳۹۴. *محاط در محیط*. ج ۱. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱۲. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۷. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۲۳. ترجمه احمد بهشتی. تهران: فراهانی.
- عابدی، محمدحسین، و فرزانه محمدیان یامی. ۱۳۹۷. *زیبایی‌شناسی و بازشناسی اصول آن در معماری اسلامی*. فصلنامه معماری‌شناسی ۱ (۴): ۴۵-۵۴.
- عوض پور، بهروز، بهمن نامور مطلق، و سائنا محمدی خبازان. ۱۳۹۳. *تجلی حکم صدرایی در معماری اسلامی*. *خردنامه صدرا* ۲۰ (۱): ۹۵-۱۰۴.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. ۱۴۱۰ق. *تفسیر فرات کوفی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فلاح زرومی، زهرا و مهدی حمزه نژاد. ۱۴۰۲. *بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌بخش معماری در روند جهانی شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجدالحرام و حرم حضرت امام رضاع)*. *پژوهشنامه خراسان بزرگ* (۵۲): ۱۹-۳۵.
- قرآنی، محسن. ۱۳۸۸. *تفسیر نور*. جلد ۹. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۵. *اصول کافی*. ج ۶ ج ۴. ترجمه سید جواد مصطفوی. قم: مؤسسه الوفاء.
- گروت، لیندا، و وانگ، دیوید. ۱۳۸۴. *روش‌های تحقیق در معماری*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- لنگ، جان. ۱۳۸۱. *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی پور، علی. ۱۳۷۹. *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مروج، حسین. ۱۳۷۹. *اصطلاحات فقهی*. قم: انتشارات بخشایش.
- مقریزی، احمد بن علی. ت. ۱۹۹۹. *امتاع الاسماع*. جلد ۵. حقیق محمد عبدالحمید النمیس. ج ۱. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ناری قمی، مسعود. ۱۴۰۰. *تولید نظریه معماری براساس الگوهای رفتاری اسلامی با رجوع به منابع اصلی سنت*. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی ۶ (۱): ۱۹۵-۲۰۹.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۲. *خانه کعبه، سلول بنیادی در طراحی نیایشگاه‌های مطلوب*. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۱ (۱): ۴۱-۳۳.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۵. *نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فراتر از سلام، طرح مدلی (بنیادی - کاربردی) در (ساختار، منابع، میانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (راهبردها، راهکارها، راه‌حل‌ها و نقد فرایندهای انسانی)*. تهران: پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴ (۳): ۲۱-۴.

- وثوق‌زاده، وحیده، محبوبه حسنی‌پناه، و بابک عالیخانی. ۱۳۹۵. حکمت عدد هشت در هنر و معماری اسلامی. جاویدان خرد، ش. ۳۰: ۱۷۵-۱۹۲.

- Brolin, B. C. 1976. *The Failure of Modern Architecture*. London: Studio Vista.
- Cao, Y., Kahlon, Y., and Fujii, H. 2022. Revisiting Darke: Tracing the Emergence of Design Generators in Architectural Design. In *International Conference on-Design Computing and Cognition (441-460)*. Cham: Springer International Publishing.
- El-Rafey, Moshira A. R. 1992. *Housing & Women: Reconstruction of Women's Point of View*, a dissertation submitted for degree of Doctor of Architecture. Michigan: The University of Michigan.
- Hester, Randolph T. *Planning Neighborhood Space with People*. 2nd Edition. Environmental Design Series, Vol. 3, Van Nostrand Reinhold Company Inc., USA.
- Hvattum, M. 2006. Origins redefined: a tale of pigs and primitive huts. in *Primitive: original matters in architecture*, edited by Jo Odgers, Flora Samuel and Adam Sharr. New York: Routledge.
- Lawson, B. 2005. *How Designers Think*, Fourth edition, Architectural Press.
- Mallgrave, H. F. 2005. *MODERN ARCHITECTURAL THEORY: A Historical Survey, 1673-1968*. Cambridge: Cambridge University Press.



■ Primary Generator in the Design of an Islamic-Behavioral House Based on Islamic Hadith Sources

Mostafa SayrafianPour

Instructor, Faculty of Art and Architecture, University of Shahab Danesh

Masoud Nari Qomi

Assistant Professor, Faculty of Civil Engineering and Architecture, Technical and Vocational University (TVU)

In the field of Islamic architecture, identifying an appropriate position for Islamic principles within the design process requires further investigation. Accordingly, this research explains the process of realizing Islamic architecture by drawing on the findings of theorists in architectural design processes. The concept of a “primary generator” within the design process provides a suitable perspective for receiving initial ideas for architectural creation, through which foundational architectural concepts and issues stressed in Islamic narrative sources are processed and translated into architectural decision-making. Within the subject of housing, this approach introduces the primary generator of “Dar” and that of “Bayt.” The primary generator of Dar focuses on the concept of presence within the house, namely the presence of household members together or with guests, which can be examined at any given moment. The primary generator of Bayt, by contrast, refers to the characteristics of the dwelling and its temporal transformations, which may be affected by changes in household composition. To clarify this perspective, the primary generators of Dar and Bayt are examined through the case of the Rouhani House in Qom. This house was selected because the number of resident families increased and decreased over time, and because information about the house and its inhabitants was available. Under ideal conditions, the primary generator of Bayt changes across different periods, whereas the primary generator of Dar retains relative stability. The responsiveness of the house results from enabling desirable presence for different users and allowing spatial transformation, including the separation or combination of units over time. The study uses logical reasoning in its first section and field research in its second section, including interviews, behavioral observation, and documentation of user activities.

Keywords: House, Primary generator, Niche, Dar, Bayt.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan

School of Architecture and Art

Vol. 28, Autumn and Winter 2026

E-ISSN: 2676-5020

28

- **Stucco Mihrabs of the Qajar Period in the Kashan Region (1780–1859)**
Shima Negahban, MohamadReza Ghiasian, Mohammad Mashhadi NooshAbadi
- **Architectural Typology of Historical Inhabited Castles of Iran**
Mahtab Ghouryani, Neda Sahragard Monfared, Seyed Abbas Yazdanfar
- **The Emergence of Tall Tower Windcatchers in the Skyline of Qom City Based on Historical Illustrated Documents**
Mohammad Rezai Nedoushan
- **Inhabited Living Heritage: A Conceptual Framework for Understanding and Preserving the Continuity of Dwelling in Historic Houses**
Sana Yazdani, Zahra Ahari
- **Examining the Impact of Eventification in the Sa'dabad Cultural Complex**
Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Role of Duration of Presence, Carbon Dioxide Concentration, and Relative Humidity on the Thermal Comfort of Worshippers in Contemporary Mosques of Ilam**
Karen Fatahi
- **Vulnerability of the Persepolis Site to Climate Change and the Role of Local Community Participation in Its Reduction**
Hamid Fadaei, Masoud Nakhaei Ashtari
- **Jundishapour University of Ahvaz Campus: An Experiment in the Reproduction of Iranian Architecture (Late 1960s–1979)**
Seyed Alireza Seyedi, Morteza Hemmai
- **Evaluation of Structural Education Curriculum in Iranian Architecture Schools from the Perspective of Implementing Structural Knowledge in Architectural Design Based on Bloom's Revised Taxonomy**
Fouzieh zeinali, Nariman Farahza, Mohammadreza Hafezi
- **Primary Generator in the Design of an Islamic-Behavioral House Based on Islamic Hadith Sources**
Mostafa SayrafianPour, Masoud Nari Qomi
- **An Analysis of the Revival of Tehran Qanats: A Critical Reading from the Perspective of Urban Political Ecology**
Bahareh Farahani, Kianoosh Zakerbaghighi, Mehrnoush Hassanzadeh
- **Differences between the Traditional and Modern Urban Fabric of Zavareh Based on the "City Is Not a Tree" Theory: A Comparison of Organic Urban Structure and Tree-Like Structure**
Ali Abdi, Gholamhossein Memarian, Mona Azarnoush